

کارکرد معرفتی و معنوی ادعیه و زیارات در شناخت موعود^۱

مسعوده فاضل یگانه^۲

صفورا اقبالی بابادی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱۳

چکیده

شناخت موعود، حضرت مهدی علیه السلام و شناخت جایگاه ایشان در عالم از جمله معارفی است که چهارچوب و زیربنای اصلی و اساس جهان بینی انسان را تشکیل می دهد و بنابر ادله عقلی و نقلی فراوان بر همه بندگان امری مسلم، حیاتی و واجب عینی است. یکی از سه منبع مهم برای شناخت حضرت، ادعیه و زیارات ائمه معصومین علیهم السلام می باشد و از آن جا که مخاطب ائمه علیهم السلام در ادعیه و زیارات، خداوند متعال است و در آن ملاحظه و تناسب سخن با مخاطب مردمی مطرح نیست، در نتیجه با رویکرد تحلیلی به آنها می توان به معارف بلندی از ابعاد گوناگون موعود دست یافت. در این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه ای و روش توصیفی و تحلیلی با بررسی ادعیه و زیارات، معرفتی عمیق تر و نگاهی تازه در بُعدهای مختلف معرفت به امام از جمله شناخت شخصی و شخصیتی موعود و مقامات و فضائل و جایگاه و صفات حضرت، نقش ها و اثرات ظاهری و باطنی امام در عالم، برای طالب معرفت هویدا شده است.

واژگان کلیدی

موعود، دعا، زیارت، فیض، معرفت، امام.

مقدمه

شناخت موعود عالم، حضرت مهدی علیه السلام به عنوان امام و راهنمای بندگان و حجت خداوند، بنابر ادله عقلی و نقلی فراوان از جمله روایات متواتر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که می فرماید:

۱. برگرفته از پایان نامه با عنوان: «موعودشناسی بر مبنای تحلیل ادعیه و زیارات مهدوی» از دانشگاه معارف قرآن و عترت.

۲. دانشیار دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان، ایران (mfyegane@gmail.com).

۳. دانشجوی دکتری دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) (s.eghbal14@yahoo.com).

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً (ابن بابویه، ۱۳۹۰ق: ج ۲، ۴۰۹)؛
بر همه بندگان امری مسلم و حیاتی و واجب عینی است.

بنابر ادله نقلی فراوانی، مصداق موعود الهی برای ظهور و اظهار اسلام بر کل ادیان بر روی زمین، حضرت حجت بن الحسن المهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ می باشد.
از جمله آیات فراوانی در قرآن وجود دارد که اشاره به موعود شده و بنابر روایات تأویلاً و تفسیراً و تطبیقاً بر حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ انطباق دارد و همچنین در کلام ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و روایات و ادعیه و زیارات موعود بر امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ تطبیق می شود، از جمله در دعا حین سلام به حضرت می گوئیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي صَمَّنَهُ (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۴۹۲؛ مجلسی، ۱۳۸۷ق: ج ۵۳، ۱۷۱).

و در فراز دیگر می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَى الْمُهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَيُلْمَ بِهِ الشَّعْتَ وَ
يُنَالِ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدلاً وَيُمَكِّنَ لَهُ وَيُنَجِّزَ بِهِ وَعْدَ الْمُؤْمِنِينَ (كفعمی، ۱۳۴۹ش: ۴۹۷).

به طور کلی برای شناخت موعود و فهم جایگاه ایشان در عالم به عنوان امام، باید به کلام خدا و کلام ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مراجعه نمود؛ کلام خداوند در قالب قرآن و کلام ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در قالب روایات و ادعیه و زیارات ما را به شناخت موعود رهنمون می سازد.
اما در کتب معتبر مختلفی از جمله آخر کتاب *معجم احادیث مهدویت* و کتاب *المحجة فیما نزل فی القائم الحجة*، آیات مهدویت در راستای شناخت موعود با ذکر روایات ذیل آنها جمع آوری شده و روایات ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در باب موعودشناسی در کتب مختلفی از جمله کتب *معجم احادیث مهدویت* و *الغیبه نعمانی* و *الغیبه شیخ طوسی* و *کمال الدین و تمام النعمه* از شیخ صدوق و *عقبری الحسان*، با عناوین و باب بندی های مختلفی گردآوری شده و مورد بهره برداری عموم و خصوص از جمله محققین و مبلغین قرار گرفته است؛ اما بهره برداری از کلام ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در قالب ادعیه و زیارات برای شناخت و معرفت موعود، بسیار کم مورد توجه قرار گرفته است. این کم توجهی به خاطر نگاه غالباً مناجاتی و ارتباطی به ادعیه و زیارات و پراکندگی عبارات ادعیه و زیارات و عدم موضوع بندی و عنوان بندی فرازهای ادعیه و زیارات مهدوی می باشد.

این درحالی است که معارف بلند و عمیق و گوناگونی از معارف موعودشناسی در کلام ائمه معصومین علیهم السلام، در قالب ادعیه و زیارات، بیان شده است. معارفی که هم از ابعاد گوناگون و هم از حیث عمق معرفت، انسان را به معرفت موعود نائل می‌کند.

این پژوهش می‌کوشد که با فصل‌بندی و عنوان‌بندی فرازهای گوناگون ادعیه و زیارات مهدویت راه را برای طالب معرفت موعود برای دستیابی موضوعی و عنوانی به فرازهای ادعیه و زیارات مهدویت، سهل و هموار سازد و سپس با تحلیل فرازهای گوناگون ادعیه و زیارات در باب‌ها و فصول و عناوین مختلف، دریچه‌های تازه و بدیع و عمیقی را برای کسب معرفت موعود برای خواننده، بگشاید و نگاه بدیع و تازه و جامعی را برای طالب معارف موعودشناسی نسبت به ادعیه و زیارات مهدویت به عنوان یکی از منابع مهم موعودشناسی، ابداع نماید.

از این‌روی عنوان‌بندی مقاله براساس معنا و اقتضای فرازهای گوناگون ادعیه و زیارات مهدویت بوده که به صورت پراکنده در کتب مختلف جمع‌آوری شده است. این عبارات و فرازهای مختلف به اقتضای معنا و موضوعی که دارد در عناوین مربوط به خود قرار داده می‌شود و مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد تا این‌که شناخت و معرفت نسبت به ابعاد گوناگونی از موعود برای خواننده از منبع کلام معصوم علیهم السلام در قالب ادعیه و زیارات حاصل گردد.

ویژگی‌های موعود در ادعیه و زیارات

ادعیه و زیارات به عنوان یکی از سه منبع اصلی انسان در شناخت موعود، نقش بسیار مؤثری در معرفت‌شناسی انسان ایفا می‌کند. از این‌روی در این فصل با تأمل و تفکر در ادعیه و زیارات مهدوی با بهره‌گیری از برخی از فرازها که موجب معرفت‌افزایی در بُعد شخصی و شخصیتی انسان نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شود، سعی می‌شود جلوه‌هایی از معرفت امام در دو بخش معرفت شخصی و معرفت شخصیتی، ارائه شود.

الف) ویژگی‌های شخصی موعود در ادعیه و زیارات

ادعیه و زیارات زیادی در فرازهای گوناگون و پراکنده، بیانگر بُعد شخصی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در قالب اسم، القاب، کنیه و نسب حضرت و بیان جلوه‌های ظاهری و اجمالی از زندگی ظاهری ایشان در نشئه دنیا می‌باشند. از این‌روی در این بخش برخی از این فرازها با توجه به جنبه معرفتی، شخصی موعود ذکر می‌شود.

۱. اسم، القاب و کنیه موعود

با مراجعه به ادعیه و زیارات ائمه معصومین علیهم السلام اجمعی به دریایی از معارف مربوط به مهدویت، با بیان القاب و ویژگی‌های که از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جمع شده می‌رسیم القابی که هر کدام بیانگر مقامات و فضائل و معرف شخص و شخصیت حضرت می‌باشد و راهی وسیع را برای کسب معرفت نسبت به آن جناب بر ما می‌گشاید. القاب بسیاری با معانی مختلف در دعاها و زیارات برای حضرت مهدی علیه السلام ذکر شده از جمله هادی، مهدی، قائم، مهتدی، تقی، زکی، طاهر، نقی، رضی، مرضی، صابر، شکور، مجتهد، مجاهد، فرید، وحید، مجتبی، صاحب‌الزمان، حجت، فارس‌الحجاز، الحق‌الثابت، خائف، مرتقب، العدل، المنتظر، مهذب، ولی، ناصح و...

در جایی موعود را به عنوان امام فرید و وحید سلام می‌دهیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْوَحِيدُ وَالْقَائِمُ الرَّشِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْفَرِيدُ (حلی، بی‌تا: ج ۱، ۴۱۹)؛

موعود، امامی است که یگانه است و در عین حال تنهاست او یگانه است چراکه جامع تمام اسماء و صفات الهی است و انسانی کامل است.

ولی در عین حال او تنهاست چراکه او محیط بر همه عالم وجود است و مردم از درک معرفت وجود او و فهم همه کمالات و فضائلش به تمامه و کماله عاجزند.

در برخی از ادعیه به القابی از امام برمی‌خوریم که بیانگر جنبه هدایتی و معنوی و فضائل درونی حضرت است:

فانه الهادی المهدي وَالْقَائِمُ المهتدي وَالظَّاهِرُ التقي الزكي النقي الرضي المرضي الصَّابِرِ الشکور المجتهد (ابن بابویه، ۱۳۹۰ق: ج ۲، ۵۱۲)؛

او هادی و هدایت‌کننده است چراکه او مهدی و هدایت شده از طرف خداوند متعال است.

مسلم است کسی که همه مراحل هدایت را می‌داند، می‌تواند در تمامی این مراحل خلق را هدایت کند. هم راه‌های هدایت در عالم دنیا و هم راه‌های هدایت در عالم آخرت را می‌داند و مسیر مستقیم در نشئه دنیا و آخرت را می‌شناسد او این مسیر را به خلق می‌شناساند و خلق را در این مسیر دستگیری و هدایت می‌کند و هادی امت و تجلی دهنده آیه شریفه: ﴿وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ (رعد: ۱۴)؛ و هر قومی را رهنمایی است، می‌شود. چنین امامی در مسیر هدایت و ایجاد

زمینه‌هایی هدایت خلق قیام می‌کند و در مسیر آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ که راه مستقیم است مردم را حرکت داده و تا رسیدن به سرمنزل مقصود آنها را همراهی و دستگیری می‌کند او قائم به اجرای اوامر و نواهی الهی در بین خلق و مجری احکام الهی و قائم به حق و برپاکننده عدالت است و محقق‌کننده آیه شریفه: «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِيَ وَفَرَادَى» (سبأ: ۴۶)؛ فقط به خاطر خدا دو به دو یا تک تک قیام کنید، می‌باشد؛ به هر حال هر کدام از القاب حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ خود بیان‌کننده دریایی از معارف معرفتی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ است.

در برخی از فرازهای دعا و زیارات اشاره به نام و القاب و کنیه حضرت موعود عَلَيْهِ السَّلَامُ شده است. از جمله در این فراز اسم، لقب و کنیه حضرت یک جا جمع شده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا ابَا الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الزَّمَانِ»؛ (حلی، ۱۳۹۰: ۳۸۲) محمد نام مبارک حضرت، ابوالقاسم کنیه آن جناب و صاحب‌الزمان یکی از القاب مبارک ایشان می‌باشد و ما در این فراز با خطاب اسم، لقب و کنیه به حضرت سلام می‌دهیم.^۱

۲. نسب موعود

در ادعیه و زیارات فراوانی اشاره به نسب حضرت شده است و شناخت نسب، منجر به شناخت یکی از ویژگی‌های شخصی حضرت شده و به ما در شناخت موعود کمک می‌کند. به طور کلی در ادعیه و زیارات از موعود به عنوان ذریه ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و سلاله نبوت یاد شده است. در بعضی از عبارات از ایشان به عنوان ذریه ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ یاد شده و حتی گاهی به صراحت نام مبارک آباء طاهرين ایشان برده شده است:

تَوَسَّلْتُ بِحُجَّةِ اللَّهِ الْخَلْفِ الصَّالِحِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ وَالصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ (مجلسی، ۱۳۸۷ق: ج ۹۴، ۲۷).

در این عبارت ملاحظه می‌شود که در توسل به موعود، ایشان محمد فرزند حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ (امام یازدهم) الی فرزند امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ (امام اول) خوانده می‌شود و اسم مبارک موعود و نام مبارک پدران شان یک یک برده شده است.

در برخی از عبارات ادعیه و زیارات اشاره به جد و جدات موعود شده است و ایشان را فرزند رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ و حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ و حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ می‌شمارد:

۱. پیوست ۱.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي خَدِيجَةَ الْكُبْرَى (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۱۸).

در عبارت زیبا و پرمعنایی موعود، جگرگوشه و پاره تن رسول خدا ﷺ دانسته شده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَلْدَةَ كَبِدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ (موسوی، بی تا: ج ۱، ۴۵۱).

به هر حال آن جناب در ادعیه و زیارات بسیار زیادی، فرزند بدون واسطه امام حسن عسکری علیه السلام شمرده شده است:

السلام عليك يا محمد بن الحسن الحجة (موسوی، بی تا: ج ۱، ۴۵۱).

و در عبارت دیگر می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ صَاحِبِ الزَّمَانِ (حلی، ۱۴۱۷ق: ۵۱۴).

و در فراز دیگری آمده است:

السَّلَامُ عَلَى الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ (احمدی، ۱۳۹۱: ۴۱).

بنابراین آنچه در ادعیه و زیارات بلاشک و به کرات به آن تصریح شده است و علمای شیعه بر آن ادعای اجماع کرده اند، این است که حضرت موعود وَجَاءَ الْقُرْبُ از سلاله ائمه طاهرين عليهم السلام می باشد.

اما در برخی از عبارات همان طور که قبلاً نصیص اشاره شد، حضرت موعود وَجَاءَ الْقُرْبُ، نه تنها از سلاله ائمه طاهرين عليهم السلام بوده بلکه ایشان، سلاله نبوت و از سلب انبیاء عليهم السلام می باشد:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ بَقِيَّةِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْحُجَّةِ الْكُبْرَى سَلَالَةَ الْمُقَدَّسِينَ وَذُرِّيَةِ الْمُرْسَلِينَ وَابْنِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ (مجلسی، ۱۳۸۷ق: ج ۱۰۲، ۲۹۲).

و در فراز دیگری می خوانیم:

وَسَلَالَةَ النَّبِيِّةِ (كفعمی، ۱۴۱۸ق: ۵۱۸).

بنابر گواهی تاریخ و از جمله آن که در کتاب زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه و آله آمده است پدران آن حضرت همگی از بزرگان زمان خویش و بیشتر آنها از فرمانروایان مکه و حجاز بودند و از نظر معنوی و ایمانی نیز چنان که مورد اتفاق علمای امامیه رضوان الله علیهم می باشد همه آنها موحد و خداپرست بوده و تا حضرت آدم علیه السلام نیز این گونه بوده اند، گذشته از این که بسیاری از آنان مانند حضرت نوح، ابراهیم و اسماعیل عليهم السلام از پیغمبران بزرگوار الهی و بلکه برخی از آنان از انبیای اولوالعزم می باشند (رسولی محلاتی، ۱۳۸۲: ۶).

۳. حیات موعود

به طور کلی در ادعیه و زیارات، تولد حضرت را شکوهمند و بزرگ و آن موعود را، مصطفی و مجتبی و برگزیده الهی دانسته‌اند. در فرازی، دعاکننده در حال شهادت به خدای متعال در مورد جناب موعود می‌گوید:

أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكَ صَغِيرًا وَأَكْمَلَ لَكَ عُلُومَهُ كَبِيرًا وَأَنَّكَ حَتَّى لَا تَمُوتَ حَتَّى تَبْطُلَ الْحَبْتِ وَالطَّاغُوتِ (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۴۴).

در این فراز از دعا، دعاکننده شهادت می‌دهد که موعود، از همان دوران تولد و کودکی و صغر سن مورد انتخاب و برگزیده خداوند بوده است؛ یعنی حضرت از بدو تولد موعودی الهی نامیده شده و پا به نشئه دنیا گذاشته است و از همان زمان مورد توجه خدای متعال بوده است که این موعود زنده بماند تا این‌که به دست ایشان، جبت و طاغوت نابود و ریشه‌کن شود؛ بنابراین ولادت ایشان از نظر خداوند متعال بزرگ و شکوهمند است، کما این‌که در فرازی از دعا می‌خوانیم:

جَلَّ مَوْلِدُهُ... (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۴۴).^۱

۴. الطاف خاص الهی به موعود

همان‌طور که اشاره شد به گواهی ادعیه و زیارات ائمه معصومین علیهم‌السلام، ولادت موعود، ولادتی مبارک و شکوهمند و عظیم و مورد توجه خاص خدای متعال و ملائکه الهی بوده است، به دلیل حقیقت وجودی بلند امام در عالم، از مجموع اخبار در خصوص ولادت حضرت مهدی علیه‌السلام و به طور کلی ولادت امام، استفاده می‌شود که ولادت ایشان غیر از ولادت متعارف بشری بوده و ظهور و طلوعش برخلاف مرسوم خلق شده، اگر چه به صورت بدن ظاهری دنیوی جلوه نموده و با سایر مخلوقات، شباهت به هم رسانده و مانند آنها وضع حمل شده است، لکن آن برای مصلحتی بوده، چون برای همچون وجوداتی، تجلیات و عوالمی مقرر گردیده و در هر عالم به نحوه آن عالم، جلوه‌گر شدند و از این رو در ادعیه و زیارات بسیاری از الطاف خاص الهی به موعود، سخن به میان رفته است و توجهات خاص الهی به موعود را نمایان ساخته است، کما این‌که در فرازی از دعا می‌خوانیم:

۱. پیوست ۳.

فَأِنَّهُ عَبْدكَ الذی استخلصته لنفسک واصطفیته علی غیبک وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ
براته مِنْ الْعِیُوبِ وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ (کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۸۱).

به گواهی این جملات، خداوند متعال، موعود را برای خود خالص گردانیده است و از میان
بندگان او را برگزیده است و او را بر اسرار غیب، امین خود دانسته و او را معصوم قرار داده و
ایشان را مبرای از عیوب و طهارت ناپاکی قرار داده است؛ و شیعه با استناد به آیاتی مانند:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب: ۳۳)؛
خداوند می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

و نیز ادله نقلی و فرازهایی از ادعیه برخی از اصول بنیادین مذهب تشیع مانند امامت و
عصمت اهل بیت علیهم السلام را استوارتر ساخته است.

در فرازی دیگر آمده است:

اللَّهُمَّ كَمَا ائْتَجَبْتَهُ لِعَلْمِكَ وَاصْطَفَيْتَهُ لِحُكْمِكَ وَخَصَصْتَهُ بِمَعْرِفَتِكَ وَجَلَّلْتَهُ
بِكِرَامَتِكَ وَغَشِيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ وَرَبَيْتَهُ بِنِعْمَتِكَ وَغَذَيْتَهُ بِحِكْمَتِكَ وَاخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ
اجْتَبَيْتَهُ لِبَاسِكَ وَارْتَضَيْتَهُ لِقُدْسِكَ ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تَطْهِّرُ بِهَا حُجَّتَهُ (حلی،
۱۴۱۷ق: ۴۱۸).

لطف خاص الهی به موعود در این فرازها، این است که ایشان برگزیده حکمت و علم الهی
است؛ این که خداوند به موعود، معرفت اختصاصی عنایت فرموده و او را مملو از رحمت و نعمت
خویش گردانیده و او را برای خویش انتخاب و اختیار کرده است؛ بنابراین به گواهی ادعیه و
زیاراتی که از زبان ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده، موعود مورد توجهات خاص و الطاف ویژه
الهی قرار گرفته است. خداوند به او مشیت نموده و لباس کرامت و بزرگواری خود را به او
پوشانده و بردل او محبت فرمان برداری خود را القا کرده و محبت موعود را در دل ها محکم
گردانیده و ایشان را پناهگاه بندگان قرار داده و حضرت را موفق به قیام اوامر الهی گردانیده
است، کما این که در عباراتی از ادعیه می خوانیم:

اللَّهُمَّ وَالدَّاعِيَ إِلَيْكَ وَالْقَائِمُ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ الْفَقِيرُ إِلَى رَحْمَتِكَ الْمُخْتَجِّحُ إِلَى
مَعُونَتِكَ عَلَى طَاعَتِكَ إِذْ أَبَتِ دَأْتَهُ بِنِعْمَتِكَ وَالْأَبْسُتُهُ أَثْوَابِ كِرَامَتِكَ وَالْأَقِيْتُ عَلَيْهِ
مَحَبَّةَ طَاعَتِكَ وَتَبَّتْ وَظَائِتُهُ فِي الْقُلُوبِ مِنْ مَحَبَّتِكَ وَوَفَّقْتَهُ لِلْقِيَامِ بِمَا أَعْمَضَ فِيهِ أَهْلُ
زَمَانِهِ مَنْ أَمَرَكَ وَجَعَلْتَهُ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ نَاصِرًا

غیرک^۱ (کنعمی، ۱۴۱۸ق: ۶۶۰).^۲

ب) شناخت جایگاه و ویژگی‌های شخصیتی موعود در ادعیه و زیارات

یکی دیگر از ابعاد شناخت و معرفت نسبت به موعود، شناخت بُعد شخصیتی و مقام و فضائل و کارکردهای ایشان است. اصل معرفت و شناخت نسبت به موعود با شناخت بُعد شخصیتی ایشان به دست می‌آید و با شناخت موعود از این راه شخصیتی در کنار شناخت شخصی، معرفت انسان نسبت به موعود کامل‌تر می‌شود. با بررسی معنایی صفات حضرت و بررسی جایگاه معرفت به موعود و اثرات و نقش‌های حضرت در عالم تکوین و تشریح و از این قبیل، جنبه‌هایی از بُعد شخصیتی موعود برای طالب معرفت، هویدا می‌شود و راه برای معرفت بیشتر نسبت به امام، هموار می‌گرداند.

۱. جایگاه معرفت به موعود

در روایات متواتری از کتب شیعه و سنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شده است:

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً (ابن بابویه، ۱۳۹۰ق: ج ۲، ۴۰۹)؛
هر فردی که بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است.

یعنی عدم معرفت انسان نسبت به امام مساوی است با مرگ جاهلیت، برای چنین انسانی، انسان با عدم معرفت نسبت به امام، همه سرمایه خویش را در دنیا و آخرت از دست می‌دهد و به آن هدفی که به خاطر آن خلق شده بود و برای زندگی بر روی زمین به آن علت هبوط کرده بود، نخواهد رسید چرا که سایر معرفت‌های الهی و آخرتی در گرو معرفت نسبت به امام است، از جمله معرفت به خدا، معرفت به نبی و نبوت، معرفت نسبت به آخرت و معرفت حقیقی نسبت به خویش.

در ادعیه و زیارات نسبت به موضوع معرفت امام و اهمیت آن می‌خوانیم:

۱. «بارالها همان کسی را که تنها به سوی تو فرامی‌خواند و از بین بندگان برای برقرار عدل و داد دست به قیام می‌زند و خود را نیازمند رحمت می‌داند و احتیاج به کمک تو برای فرمانبرداریت دارد همان کسی که ابتداءً نعمت را به او مرحمت کردی و لباس‌های کرامت و بزرگواری خود را بر او پوشانیدی و دوست داشتن فرمانبرداریت را بردلش افکندی و از روی محبتت جایگاهش را در قلب‌ها محکم گردانیدی و موفق کردی بعضی از دستوراتت را که مردم زمانه از انجامش خودداری کرده‌اند انجام دهد و او را گریزگاه و پناهگاهی برای بندگان ستم‌دیده‌ات، یاور کسانی که جز تو یابوری نیافته‌اند، قرار دادی.»

۲. پیوست ۴.

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ صَلَّيْتُ عَنْ دِينِي (ابن بابويه، ۱۳۹۰ ق: ج ۲، ۵۱۲).

در این دعای شریفه تصریح شده است که خدایا اگر امام و حجت را به من شناسانی، از معرفت تو و نبیّت محروم می شوم و در دینم گمراه خواهم شد، یعنی معرفت به امام و حجت الهی، محور همه معرفت هاست و سعادت و شقاوت انسان در گرو آن می باشد. لذا از خداوند متعال درخواست می کنیم که توفیق معرفت موعود را نصیب ما گرداند، چراکه شکر نعمت خداوند سبحان با توفیق معرفت امام محقق می شود:

أَسْأَلُكَ... أَنْ تُوَظِّعَنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ فِي التَّوْفِيقِ لِمَعْرِفَتِهِ (عاملی، ۱۳۸۰: ۴۰۷).

نقش محوری معرفت حجت و امام به گونه ای است که نه تنها معرفت های دیگر انسان در گرو آن است، بلکه اعمال و اقوال انسان نیز وابسته به این معرفت است، به طوری که در ادعیه و زیارات اعمال انسان ها، موقوف و متوقف بر ولایت موعود و اقوال انسان ها در صورتی که قربین با امامت امام باشد، اعتبار و مقبولیت می یابد:

الْأَعْمَالُ مَوْقُوفَةٌ عَلَى وِلَايَتِكَ وَالْأَقْوَالُ مُعْتَبَرَةٌ بِإِمَامَتِكَ مَنْ جَاءَ بِوِلَايَتِكَ وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قَبْلَهُ أَعْمَالِهِ وَصَدَقَهُ أَقْوَالِهِ تُضَاعَفُ لَهُ الْحَسَنَاتُ وَتَمْحَى عَنْهُ السَّيِّئَاتُ وَمَنْ زَلَّ عَنْ مَعْرِفَتِكَ وَاسْتَبَدَّلَ بِكَ غَيْرَكَ أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ وَلَمْ يَقْبَلْ لَهُ (عملا (حلی، بی تا: ۴۳۷).

از ظاهر عبارات این دعا بر می آید که اعتراف به امامت و معرفت موعود، نقطه محوری قبولی اعمال و تصدیق اقوال و موجب آمرزش و عاقبت به خیری انسان و در مقابل زوال معرفت موعود، مساوی با عدم قبولی اعمال و اسیر آتش عذاب شدن است.

مسلم است که معرفت حقیقی امام و حجت و موعود، تنها از راهی که خداوند متعال مشخص نموده برای انسان حاصل می شود و آن کسب معرفت باطنی و ظاهری از راه توجه و توسل و ارتباط با خداوند و ائمه معصومین علیهم السلام و استفاده از منابع وحی یعنی قرآن و گفتار ائمه علیهم السلام در روایات و ادعیه و زیارات می باشد، بنابراین در ادعیه و زیارات در حین سلام دادن به موعود و امام می گوئیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامٌ مِنْ عَرَفِكَ بِمَا عَرَفَكَ بِهِ اللَّهُ وَنَعْتِكَ بِبَعْضِ نَعْوَتِكَ الَّتِي أَنْتَ أَهْلُهَا وَفَوْقَهَا (کفعمی، ۱۴۱۸ ق: ۲۸۴).

سلام دادن من به شما سلام کسی است که تو را می‌شناسد آن‌گونه‌ای که خداوند تو را معرفی و شناسانده است و در عبارات دیگر به همین نوع معرفت، تأکید می‌کند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَجْهَ اللَّهِ الْمُتَقَلِّبِ بَيْنَ أَظْهَرِ عِبَادِهِ سَلَامٍ مَنْ عَرَفَكَ بِمَا تَعَرَفْتَ بِهِ إِلَيْهِ وَ نَعْتِكَ بِبَعْضِ نَعْتِكَ الَّتِي أَنْتَ أَهْلُهَا وَفَوْقَهَا (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۳۷).^۱

۲. خصوصیات ارتباطی امام با عالم

بنابر ادله عقلی و نقلی، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف که همان موعود خداوند متعال در کتاب و سنت است، واسطه فیض خداوند به همه مخلوقات می‌باشد.

امام عالم که موعود جهانیان نیز می‌باشد تنها پل ارتباطی همه هستی با خداوند عالم است، هم در قوس نزول و هم در قوس صعود...

در این بخش نمونه‌ای از پیوندها و ارتباطی که حضرت موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف با خدای متعال و عوالم هستی دارد، از زبان ادعیه و زیارت بررسی می‌شود.

امام و خالق

رابطه موعود و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف با خالق هستی، هم بیان‌کننده ارتباط امام با خالق و هم نمایانگر بُعدی از ابعاد شخصیتی آن جناب است. با بررسی ادعیه و زیارات ائمه معصومین عليهم السلام معلوم می‌شود که رابطه تفکیک‌ناپذیری از حیث صفات و مقامات و فضائل بین امام و خالق هستی وجود دارد به طوری که فرقی بین امام و خالق نمی‌ماند الا این که امام بنده خداست.

بنابر گواهی ادعیه و زیارات، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف که موعود الهی است، ولی الله، خلیفه الله، لسان الله، نور الله، عین الله، حجة الله، ولی امر الله، اذن الله و... می‌باشد. هر کدام از این عناوین، دریایی از مقامات و فضائل و کمالات برای موعود است.

۱. وَادْفَعْ عَنْ وَلِيكَ وَخَلِيفَتِكَ وَلسَانِكَ وَالْقَائِمُ بِقِسْطِكَ وَالْمُعَظَّمُ لِحُرْمَتِكَ وَالْمُعَبَّرُ

عَنْكَ وَالتَّاطِقُ بِحُكْمِكَ وَعَيْنِكَ النَّاطِقَةُ وَأُذُنِكَ السَّامِعَةُ وَشَاهِدُ عِبَادِكَ وَحِجَّتِكَ

عَلَى خَلْقِكَ وَالتَّجَاهِدُ فِي سَبِيلِكَ وَالمُجْتَهِدُ فِي طَاعَتِكَ (حلی، ۱۳۹۰ق: ۴۲۶)؛

خدایا دور کن هر شری را از ولایت و جانشین و زبان گویای خودت و قیام‌کننده به عدلت و

بزرگ‌دارنده حرمتت و بیان‌کننده از جانب خودت و گوینده احکامت و چشم بینایت و

گوش شنوایت و گواه بندگانت و حجت تو بر آفریدگانت و جهادکننده در راهت و

کوشش‌کننده در اطاعت و پیرویت.

۱. پیوست ۶.

۲. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نورك وَسَراجِك (مجلسی، ۱۳۸۷ق: ج ۹۹، ۲۶۵)؛

خداوندا بر آن جلوه نورت و چراغ روشنی بخشش درود فرست.

۳. نورک المتألق و ضیاؤک المشرق (حلی، ۱۳۹۰ق: ۲۱۸)؛

خدایا او (حضرت مهدی) نور درخشان تو و روشنایی تابان توست.

۴. اللَّهُمَّ انی أَسئَلُکَ بِحَقِّ وِلیکَ وَ حجتک صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا أَعْتَنی بِهِ عَلی جمیع

أموری (مدنی، بی تا: ۶۳)؛

خداوندا به حق ولی خود و حجت حضرت صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ از تو درخواست می‌کنم که مرا در همه امور یاری فرما.

۶. وَلی أَمْرِ اللَّهِ (همان: ۴۱۸)؛

او ولی و سرپرست امر و فرمان الهی است.

۷. عَبَدک الْعَائِدِ بِکَ (همان: ۳۱۰)؛

خدایا او (حضرت مهدی) بنده ای توست که به تو پناه آورده است.

باتوجه به صفات و ویژگی‌هایی که در این فرازاها بیان شده امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ که موعود الهی و امید منتظران است، جامع تمام اسماء و صفات الهی و مظهر و مظهر الله می‌باشد و کانال فیض تمام فیوضات الهی است.^۱

امام واسطه بین خالق و مخلوق

از جمله ویژگی‌های شخصیتی موعود واسطه فیض بودن ایشان است که در ادعیه و زیارات به وفور به این مقام اشاره شده است. مقام وساطت فیض امام، مقامی است که نقش محوری و کلیدی در فهم ارتباط خدای متعال با مخلوقات عالم هستی دارد. اینک برخی از ادعیه که بر مقام وساطت فیض امام اشاره دارد را متذکر می‌شویم.

در فرازی از دعا می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَیکَ یا حَجُّهُ اللهُ فی أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَیکَ یا عینِ اللهُ فی خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَیکَ یا نَوَّرَ اللهُ الذی یَهتدی بِهِ الْمُهْتَدُونَ وَ یفرج بِهِ عَنَ الْمُؤْمِنِینَ (حلی، بی تا: ۳۷).

در این عبارت دعا به موعود به عنوان حجت خدا بر روی زمین، چشمان خدا در بین خلق و نور خداوند که هدایت‌کننده و دستگیر هدایت‌شدگان و مؤمنین است، سلام می‌دهیم و در

۱. پیوست ۷.

عبارت مشابه به جمله قبل می‌گوئیم:

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَىٰ وَلِيِّكَ ... حُجَّتِكَ عَلَىٰ خَلْقِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ وَشَاهِدِكَ عَلَىٰ عِبَادِكَ (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۷۷؛ مجلسی، ۱۳۸۷ق: ج ۸۱، ۹۱).

در این عبارت از دعا نیز از خداوند تقاضای درود فرستادن می‌کنیم بر موعودی که حجت خداست بر خلق و خلیفه اوست در زمین و شاهد خداست بر بندگان او. در عبارات دیگر ادعیه و زیارات نیز می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَىٰ بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ وَحَجَّتِهِ عَلَىٰ عِبَادِهِ (كفعمی، ۱۳۴۹: ۴۹۷)؛
سلام بر حضرت بقیة الله (حجت باقیة الهی) در ملک و بلاد خدا و سلام بر حجت خدا بر بندگان.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَىٰ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ (ابن مکی، ۱۴۱۰ق: ۲۰۳)؛
سلام بر تو ای حجت خدا بر تمام خلق آسمان و زمین.

عينك النَّاطِرَةَ فِي بريتك (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۰۹)؛
حضرت مهدی چشم بینای تو در میان بندگان است.

وَالْقَائِمُ الْحَجَّةَ الْمَهْدَىٰ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أُمَّةَ الْمُؤْمِنِينَ وَحُجَجِ اللَّهِ عَلَىٰ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَ
أُمَّتِكَ أُمَّةَ هَدَىٰ أُتْرَارًا (مجلسی، ۱۳۸۹ق: ۳۵۹)؛

(یازده امام) و پیشوای قائم حضرت حجت بن الحسن المهدی امامان مؤمنان و حجت‌های خدا بر جمیع خلق و امامان تو هستند همان عزیزانی که پیشوایان راه هدایت و خوبان و نیکوکاران عالمند.

رضيت بِاللَّهِ رَبًّا... وَبَعَلِي... وَبِالْحُجَّةِ أُمَّةَ اللَّهِ وَلِيكَ الْقَائِمِ الْحُجَّةِ (كليني، ۱۳۶۵ق: ج ۲، ۵۴۷)؛

راضی و معتقدم به این‌که خدا پروردگار من است و این‌که حضرت علی... و حضرت حجت بن الحسن امامان من هستند.

همه عبارات فوق، حاکی از این است که موعود عالم، دو جنبه دارد: یک جنبه‌ای که نظر به سوی رب دارد و جنبه‌ای که نظر به سوی خلق دارد و آن جناب، چشمان بینای خدا در بین بندگان، حجت خدا بر تمام خلق، آسمان و زمین و خلیفه خدا بر خلق و بندگان می‌باشد.

شایان ذکر است، در بعضی از عبارات ادعیه و زیارات، به صراحت می‌خوانیم، این‌که حضرت موعود عَلَيْهِ السَّلَامُ و وَرَحْمَةُ الرَّحِيمِ، امام و ولی و خلیفه و حجت و سید و مولای بر ما قرار گرفته است به اراده و نصب

الله بوده است. در دعای ندبه در خصوص این انتصاب می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ وَخُنْ عِبِيدَكَ التَّائِقُونَ إِلَىٰ وَلِيكَ الْمَذْكُورِ وَبَنِيكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عَصْمَهُ وَمَلَأْتَهُ
أَقْبُتُهُ لَنَا قَوَاماً وَمُعَاذاً وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِثْلَ أَمَامٍ (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۴۶).

و در دعای دیگر می‌گوئیم:

وَجَعَلْتَهُ هَادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَدِيَانِ الدِّينِ بَعْدَكَ وَفَضَّلَ الْقَضَايَا بَيْنَ
عِبَادِكَ (همان: ۴۱۸).

به گواهی عبارات زیادی از ادعیه و زیارات، موعود دارای مقام وساطت فیض است، لذا واژه «واسطه فیض» در کلام بزرگان دینی، بسیار به چشم می‌خورد و برگرفته از روایات و ادعیه و زیارات می‌باشد. در کلام علمای متقدم و متأخر این واژه محل آراء و نظرات و دیدگاه‌هایی است که نسبت به جایگاه و نقش واسطه فیض در عالم بحث شده است. بزرگان دین نخستین صادر عالم که بر حقیقت محمدی تطبیق شد را، «واسطه فیض» می‌خوانند و می‌گویند: ایشان واسطه فیض در قوس نزول و قوس صعود می‌باشند، یعنی در «قوس صعود»، تمام توسلات و درخواست‌ها و دریافت‌هایی که از مخلوقات عالم به مبدأ متعال می‌رسد، توسط «واسطه فیض» صورت می‌گیرد و همچنین در «قوس نزول» تمام فیوضات معنوی و علمی و مادی که از مبدأ متعال قرار است به مخلوقات عالم برسد، توسط «واسطه فیض» صورت می‌گیرد.

«قوس نزول» یعنی تمام فیوضاتی که از خداوند متعال صادر می‌شوند، توسط ائمه علیهم‌السلام نازل شده و به بقیه مخلوقات می‌رسند. اما در قوس صعود نیز اهل بیت علیهم‌السلام واسطه بین خداوند و موجودات دیگر هستند، ایشان علاوه بر اعمال انسان‌ها، باطن و جان‌های آنان را نیز به سوی پروردگار سوق می‌دهند. یکی از مراتب ولایت که خداوند به آنها عطا فرموده است، همین ولایت داشتن بر باطن و جان انسان‌هاست. در باطن دنیا و در پشت پرده، نفس تمامی انسان‌ها به دست اهل بیت علیهم‌السلام و از طریق ایشان به سوی خداوند متعال در حرکت است تا روزی که همه انسان‌ها و همه موجودات به سوی پروردگار رجوع نمایند.

وساطت فیضی ائمه علیهم‌السلام اولاً دائمی و همیشگی است چرا که خصلت فیض و هستی بخشی خداوند متعال عین ذات او و همیشگی است؛ ثانیاً این وساطت به صورت عام در برگیرنده همه انواع وساطت می‌باشد از جمله واسطه در آفرینش عالم، واسطه در دوام و بقاء هستی، واسطه در دریافت ظرفیت‌ها، واسطه در ایجاد قابلیت و حوائج و نیاز مخلوقات و واسطه در رساندن فیوضات معنوی و علمی و مادی مخلوقات.

واسطه در ایجاد قابلیت، یعنی ائمه معصومین علیهم السلام با گفتار و کردارشان که برگرفته از وحی است بندگان را ارشاد و راهنمایی می کنند تا در نتیجه، قابلیت دریافت مراحل بالای فیض و تداوم آن را پیداکنند. ایجاد و اتمام قابلیت این ارشاد گاهی از راه تصرف در نفوس انجام می شود (ربانی، ۱۳۷۹: ج ۲، ۱۲۸).

در آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام و ادعیه نقل شده از ایشان، تعبیرات فراوانی وارد شده که ناظر به مقام وساطت فیض اهل بیت علیهم السلام به عنوان نخستین صادر می باشد و این که ایشان در مرتبه ای قرار دارند که شایستگی دریافت بلاواسطه فیض را دارا هستند و سایر موجودات که فاقد آن مرتبه اند، تحت ولایت آنها که در طول ولایت خداوند و به اذن اوست، قرار گرفته اند و کسب فیض می کنند (فیض کاشانی، ۱۳۹۳: ج ۱، ۴۷۰ و ۵۰۳).

در این جا به برخی از این دلایل خاص وارد شده بر مقام وساطت فیض ایشان، اشاره می شود. در آیه شریفه خداوند متعال فرموده است:

﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾ (فرقان: ۵۷)؛

بگو (ای پیامبر) من در برابر آن (ابلاغ دین) هیچ گونه پاداشی از شما نمی طلبم، مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند.

و این آیه در دعای شریف ندبه با توجه به آیه موذت:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ (شوری: ۲۳)؛

بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکیانم (اهل بیتم).

چنین تفسیر شده است:

فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ وَالْمَسْلَكَ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ (حلی، ۱۴۱۷: ق: ۴۴۶؛ حلی، ۱۳۹۰: ۲۹۸).

پس اهل بیت علیهم السلام راه رسیدن به تو و طریق رسیدن به رضوانت بودند. در جای دیگر از همین دعا درباره حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه وارد شده است:

أَيْنَ بَابِ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى؟ أَيْنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ؟ أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ؟ (حلی، ۱۴۱۷: ق: ۴۴۶؛ حلی، ۱۳۹۰: ۳۰۲).

و در زیارت جامعه کبیره وارد شده است: هرکس خداوند را اراده کند با شما شروع می کند:

«مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ» (ابن بابویه، ۱۳۹۲: ج ۲، ۲۷۲) و می گوئیم: «يَكُمُ يُسَلَكُ إِلَى الرِّضْوَانِ» (همان: ۲۷۳) و به سبب شما می توان به رضوان الهی راه یافت.

انسان کامل، مظهر فیض کامل خداوند است و تمام موجودات دیگر از فرشته تا جن و بشر و سایر موجودات به واسطه وجود او از انوار الهی فیض می برند: «بِقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَ بِيَمِينِهِ رِزْقُ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ تَبَتَّتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ»؛ (کفعمی، ۱۳۴۹: ۲۶۸؛ کفعمی، ۱۴۱۸: ۳۶۲). اگر پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام نبودند افلاک خلق نمی شد. کما این که در حدیث قدسی معروف آمده است: «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ»؛ اگر شما نبودید عالم را خلق نمی کردم (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۱، ۲۱۷).

همچنین پیامبر ﷺ در حدیثی بلند به امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام، خلقت همه مخلوقات را متوقف بر خلق خویش می کند و می فرماید:

يَا عَلِيُّ لَوْلَا نَحْنُ مَا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَ لَا الْحَوَاءَ وَ لَا الْجِنَّةَ وَ لَا النَّارَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ لَا الْأَرْضَ (ابن بابویه، ۱۳۹۲: ج ۱، ۲۶۲)؛

ای علی اگر ما نبودیم خداوند آدم و حوا و بهشت و جهنم و آسمان و زمین را خلق نمی کرد.

بنابر آنچه عرض شد، جامع اسماء و صفات الهی لزوماً وجه کامله الهی، وجه الله است، یعنی آن مظهر و مظهر تامه اسماء و صفات الهیه می باشد.

حضرت سجاد علیه السلام در تفسیر آیه: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَ يَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ» همه افرادی که روی آن (زمین) هستند فانی می شوند، و تنها ذات ذوالجلال و گرامی پروردگارت باقی می ماند (الرحمن: ۲۶-۲۷)، فرمودند:

نَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي يُؤْتِي اللَّهُ مِنْهُ (قی، ۱۴۰۴: ۳۲۳)؛
مائیم وجه خدایی که مردم رو به سوی آن می آیند.

چنان که در دعای ندبه می گوئیم:

أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ (حلی، ۱۴۱۷: ۴۴۶).

صاحب امرای هستی در توضیح این معنی می فرماید:

این معنی مؤید آن است که معصومین علیهم السلام اگرچه به ظاهر می میرند اما هیچ گاه مرگ آنان مانند مرگ سایر مردم نیست. پس همیشه به رتق و فتق امور عالم مشغول باشند و شئون

ولایتی‌شان هیچ‌گاه پایان نیابد و به مرگ‌شان حواس و توجه و تصرف‌شان از کار نیفتد(نبوی قمی، ۱۳۸۱: ۴۷۸).

بنابراین شهود جمال حضرت، شهود «وجه الله» است؛ جمال انسان کامل، جمال کل اسماء الهی است؛ بنابراین شهود جمال حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، شهود جمال «الله» است از طریق آن «وجه الله»^۱.

۳. پیوند وصایتی و ولایتی موعود

از پیوندهای ارتباطی حضرت با عالم که منجر به شناخت و معرفت شخصیتی موعود می‌شود، پیوند وصایتی و ولایت ایشان با انبیاء و ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشد. به گواهی ادعیه و زیارات مهدوی یک رابطه ولایتی و وصایتی و خلافتی بین موعود با ائمه معصومین علیهم السلام و خداوند متعال مطرح می‌باشد.

در این قسمت سعی می‌شود برخی از ادعیه مربوط به پیوندهای مطرح شده و به طور مختصر ذکر و بیان شود.

در برخی از ادعیه، موعود را ولی و نماینده ائمه معصومین علیهم السلام معرفی می‌نماید: «وَ صَلِّ عَلٰی وَلِي الْاِحْسَانِ وَ وَصِيهِ وَ وَاٰرِثِهِ (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۴۲)، در این عبارت از خداوند می‌خواهیم که بر ولی و وصی و وارث امام حسن عسکری علیه السلام که حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد، درود بفرستد. مشهود است که مقام ولایت ایشان از سوی امام حسن عسکری علیه السلام (ولی الحسن)، اول ذکر شده است. در قطعه‌ای دیگر می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلٰی الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی وَلِي وَلِيكٍ وَ وَصِيِّ وَصِيكَ» (مجلسی، ۱۳۸۷ق: ج ۹۹، ۲۶۵)، در این جمله از خداوند خواسته‌ایم که به موعود به عنوان «ولی ولیش» یعنی ولی امام حسن عسکری علیه السلام، درود فرستد. در دعایی دیگر می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلٰیكَ يَا وَلِيَّ بَقِيَّةِ اَنْبِيَاءٍ... وَ وَاٰرِثِ خَيْرَةِ الطَّاهِرِيْنَ» (همان: ج ۱۰۲، ۹۲۲)؛ در این قسمت از دعای شریفه به موعود به عنوان ولی و نماینده باقی مانده پیامبران یعنی اهل بیت علیهم السلام سلام می‌دهیم. حاصل آن که موعود عالم حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ولی امام حسن عسکری علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشد.

بعد از مقام ولایتی موعود در برخی از عبارات ادعیه به مقام «وصایت» ایشان اشاره شده است؛ که در این جا برخی از این فرازها، ذکر می‌شود: «وَ صَلِّ عَلٰی وَلِي الْاِحْسَانِ وَ وَصِيهِ وَ

۱. پیوست ۹.

وَأَرِيهِ» (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۴۲) و «السَّلَامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ وَلِيكَ وَ وَصِيِّ وَصِيكَ» (مجلسی، ۱۳۸۷ق: ج ۹۹، ۲۶۵) و فراز «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِي الْأَوْصِيَاءِ الْمَاضِيِينَ» (کفعمی، ۱۳۴۹: ۴۹۵)، در عبارات این سه فراز از ادعیه، نمایان است که موعود، وصی، وصی خداوند و وصی بعد از امام حسن عسکری علیه السلام و همچنین وصی امامان گذشته می باشد.

همچنین در برخی از عبارات ادعیه، به مقام «خلافت» موعود اشاره شده است که این عبارات حاکی از آن است که موعود، خلیفه خدا و ائمه معصومین علیهم السلام و از جمله امام حسن عسکری علیه السلام می باشد، به عنوان مثال در این فراز دعا به موعود به عنوان خلیفه خدا و خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام سلام می دهیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَةَ رَسُولِهِ وَ آبَائِهِ الْأَنْبِيَاءِ الْمُعْصومِينَ
المهدیین (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۳۷).

در همین راستا در دعایی، از موعود به عنوان خلیفه و جانشین بعد از امام حسن عسکری علیه السلام یاد شده است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ أَمَامَ الْمُسْلِمِينَ» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۶۲۰؛ نعمان، ۱۴۱۰ق: ۳۲۹). آنچه از جملات ادعیه و زیارات در بحث خلافت ایشان مشهود است، مقام خلافت ایشان از خداوند متعال و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام می باشد که این عبارات فراوان است، مانند این عبارت: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ خَلِيفَةَ آبَائِهِ الْمَهْدِيِّينَ» (ابن مکی، ۱۴۱۰ق: ۲۰۳) و یا این فراز «وَ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ» (طوسی، ۱۳۹۰ق: ج ۳، ۱۰۸) و ...

اما به غیر از مقام وصایت، ولایت و خلافت از خدا و ائمه معصومین علیهم السلام که مطرح شد، دو عنوان مقام دیگر نیز برای موعود در ادعیه و زیارات، زیاد به چشم می خورد، یک مقام وراثت و دیگری این که از ایشان به عنوان باقیمانده و خلاصه خدای متعال و اهل بیت علیهم السلام و بندگان برگزیده الهی، یاد می شود؛ اما در مقام وراثت، ادعیه و زیارات گواهی می دهند که موعود وارث ائمه معصومین علیهم السلام و همچنین انبیاء الهی می باشد. ابتدا دو جمله از جملاتی که موعود، وارث ائمه علیهم السلام و امام حسن عسکری علیه السلام است ذکر می شود: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ... وَارِثَ خَيْرَةِ الطَّاهِرِينَ» (مجلسی، ۱۳۸۷ق: ج ۱۰۲، ۲۹۲) و فراز «وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ الْحَسَنِ وَ وَصِيهِ وَ وَأَرِيهِ» (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۴۲) اما در عبارات دیگری از ادعیه و زیارات، موعود به عنوان وارث انبیاء الهی از جمله وارث علم مرسلین قلمداد شده است: «أَنْتَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ بَقِيَّةَ كَمَالِ نِعْمَتِهِ

کلمه «الله» که جامع جمیع اسمای الهی و محیط به همه آنها است، لازم است مظهری کلی و جامع داشته باشد که آن مَظْهَر، خلیفه خداوند بوده و نسبت به همه کائنات و کل هستی، احاطه و حاکمیت دارد و سرچشمه همه فیوضات در قوس صعود و نزول است.

در بسیاری از اخبار و کلمات بزرگان دین، برای پیامبر و امامان، مقامی والا و حقیقت وجودی بسیار بلندی اثبات شده که به برخی اشاره می‌کنیم: «مقام نورانیت»، «مقام جامعیت اَسْمَاءِ الهی»، «مقام وساطت فیض»، «مقام قطبیت عالم وجود»، «مقام انسان کامل» و «أول ما خلق الله» و... این مقامی است برای چهارده معصوم که در عالم وجود بعد از ذات احدی، برترین مقام است.

امام در مقام نورانیت به عنوان اولین مخلوق، جامع تمام اَسْمَاءِ الهی است و با مقام مظهریت تام اَسْمَاءِ الله، مظهر اَسْمَاءِ وصفات خدای متعال است، مانند این که علمش مَظْهَر علم الهی است و همان گونه که پروردگار متعال بر همه ماسوای خویش، احاطه و علم حضوری دارد، آنها نیز که مَظْهَر تام اَسْمَاءِ وصفات الهی‌اند، با احاطه کامل بر زمان و مکان بر همه موجودات عالم، احاطه حضوری و علم حضوری دارند.

با توجه به ادله اثبات این مقام در عالم، علما و بزرگان دین به عنوان یک فرض مسلم به بیان اثبات عقلی و نقلی این حقیقت و اثبات ضرورت و چگونگی «جامع اَسْمَاءِ» و «صفات الهی» پرداخته‌اند.

از جمله مرحوم آیت‌الله طیب در اثبات لزوم وجود انسان کامل، به اثبات وجود مستمر امام معصوم علیه السلام پرداخته و اذعان داشته:

همه مخلوقات، بالاخص انسان، مظهر صفات و اسماء حق تعالی، مانند علم، قدرت و... هستند؛ ولی هریک از این مخلوقات، به خاطر محدودیت، محل بروز و نمایش برخی کمالات و صفات خدا هستند. پس ناچار باید یک آینه تمام‌نما باشد؛ که آن، امام معصوم علیه السلام است. پس او در هر عصری، موجود است (طیب، ۱۳۶۳: ۳۲۸).

امام در مقام نورانیت به عنوان اولین مخلوق خدا، جامع تمام اَسْمَاءِ الهی است، از این روی او با مقام مظهریت تام اَسْمَاءِ الله، صفاتش، مظهر صفات خداوند متعال است.

در فرازهای مختلف ادعیه، با ذکر صفات مختلفی برای موعود به ایشان سلام می‌دهیم از جمله می‌گوئیم: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلِیْقَةَ اللَّهِ وَ خَلِیْقَةَ آبَائِهِ الْمَهْدِیِّینَ» (ابن مکی، ۱۴۱۰: ۲۰۳) و در این فراز: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي لَا يَطْفِئُ» (حلی، ۱۴۱۷: ۴۳۷) و در این عبارت

این گونه سلام می دهیم: «السلام علیک یا صاحب الامر» (موسوی، بی تا: ج ۱، ۴۵۱). بنابراین «خلیفه الله»، «نورالله»، «صاحب الامر» صفات بارز موعود در ادعیه و زیارات هستند. که در این قسمت از جهت معنایی صفت صاحب الامر مورد بررسی قرار می گیرد.

صاحب الامر

طبق فرمایشات بزرگان دین که برگرفته از روایات معصومین علیهم السلام می باشد، حقیقت چهارده نور مقدس، «نوری واحد» است که جامع اسماء و صفات الهی و محیط بر همه عوالم است. وحدت ایشان در نور واحد، وحدت در حقیقت و ذات ایشان است، ولی در مصداق، خلقت ایشان متعدد بوده است و آن نور در عوالم و زمان های مختلف، جلوه گری می کند و گرنه همه آنها بدون انفصال این صفات و کمالات از یکدیگر، دارای صفات و کمالات همدیگر می باشد. و در عصر حاضر، مناصب ولایت و امامت و حقیقت نوری، جلوه در موعود، حضرت صاحب الزمان علیه السلام دارد و این جلوه، ظاهر است و همه صفات امامان در عصر حاضر، در وجود مقدس امام زمان علیه السلام جلوه کرده است.

نتیجه آن که اگرچه تجلیات ظهور ائمه معصومین علیهم السلام در عوالم گوناگون متعدد و مختلف است، اما همه ایشان دارای یک واقعیت و حقیقت و نور واحد هستند.

امام زمان علیه السلام با داشتن چنان مقام عظمی و حقیقت وجودی که فوق عالم است بدون این که از آن مقام اعلائی خود خارج شوند و انجام کاری ایشان را از انجام کار دیگر باز دارد، همه عالم باذن الله و امره تبارک و تعالی، در قبضه ایشان تدبیر می شود.

موعود در هر عالمی به هر صورتی جلوه کند، حقیقت ایشان، همان نور است و از عالم ملکوت سرچشمه گرفته است. ایشان در عالم بشری، مانند بشر سلوک می کنند، در عالم علوی، مثل ملائکه سیر دارند و در عالم عقول مربی آنها می شوند (نهایندی، ۱۳۸۸: ۱۱۹).

بنابراین چون ظاهر شریف او، در روح اعظم او مطموس و محو شده است؛ مانند قطره در دریا؛ از این روی تن او، احکام ویژه دارد؛ مانند سایه نداشتن، از پشت سر دیدن و در اسرع زمان با بدن به معراج رفتن (حاجی سبزواری، ۱۳۸۳: ۴۹۸).

این تجلیات و ظهورات، نشأت گرفته از حقیقت نوری ایشان و از جنس نور است و مانند شعاع خورشید، رابطه ظهورات ایشان در عوالم مختلف با حقیقت وجودی ایشان، رابطه ای مستقیم و نشأت گیرنده است، همان طور که اشعه خورشید از جنس نور خورشید است، ظهورات و تجلیات ظاهری موعود نیز در عوالم مختلف به هر شکل ظاهری که جلوه کند، از جنس

نوری و حقیقت امام می‌باشد.

رابطه بین ظهورات حضرت در عالم و نحوه تدبیر عالم توسط ایشان، با هم رابطه‌ای مستقیم دارد. برای روشن شدن نحوه تدبیر عالم توسط موعود، لازم است بدانیم رابطه ایشان با عالم چگونه رابطه‌ای است، این رابطه را در مقام و صفات حضرت می‌توان جست‌وجو کرد. حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، «صاحب الامر» است، لذا مقام ایشان در عالم مقام «امر» است، یعنی همان طور که رابطه خداوند با عالم، رابطه «کن فیکون» است، رابطه موعود نیز در مقام واسطه فیض با کل عالم ماده، رابطه «کن فیکون» است. مقام امام، طبق آیه «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ»؛ آگاه باشید که خلق و امر برای اوست (اعراف: ۵۴)، مقام هدایت به «امر» است، مقام «امر» مقامی است که وقتی که بگوید بشو، می‌شود، بنابراین رابطه حضرت با هستی، «رابطه ایجاد» است. جلوه‌گری امام در عالم از قبیل تعدد نور شمس در آئینه‌های متعدد است که هر قلبی و چشمی همانند آئینه‌ای است که امام در آن به حسب مراتب آن قلوب، جلوه می‌نماید. از آن جا که امام واسطه فیض هستند، حقیقت نوری امام در همه جا و نزد همه مخلوقات حضور دارد، پس هر جا موجودی هست آن حضرت هم حضور دارند، چون حضور هر چیزی نزد واسطه فیض، ضروری و لازم الوجود است، پس همه عالم در محضر اوست، اما ظهور آن حضرت بر مخلوقی خاص، به حسب حکمت می‌باشد و موعود حکیم، عالم به آن است. بنابراین موعود چون حاکم بر بدن خویش است، هر وقت که خواست، تن خود را ایجاد و حاضر می‌کند. البته ایجاد و ظهور بدن توسط امام به اراده و مصلحت ایشان است و اصولاً امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از آن جهت که مظهر علم غیب خداوند است، از همه جا و همه چیز اطلاع داشته و به تمام موضوعات خارجی آگاهی دارد، بنابراین هر مکان و زمانی که مصلحت بدانند، خود را در آن جا حاضر می‌کنند.

استقرار حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در مکانی از زمین، با حاضر و شاهد و ناظر بودن ایشان منافاتی ندارد، چرا که استقرار ایشان مربوط به ظاهر، متناسب با طبیعت او است و حاضر و شاهد و ناظر بودن، مربوط به مقام نورانیت و حقیقت روحی حضرت می‌باشد.

۵. اثر و نقش موعود در عالم

موعود از حیث این که ولایت کلیه الهیه بر همه عوالم و مخلوقات هستی را داراست و واسطه فیض خداوند به مخلوقات و عالم هستی می‌باشد و صاحب الامر و ولی امر الهی است، لذا

نقش‌ها و اثرات تکوینی و تشریحی و ظاهری و باطنی بر همه عوالم هستی و مخلوقات، از حیث خلق و فیض‌دهی و هدایت علمی و باطنی و ظاهری دارد.

در این بخش به صورت مختصر برخی از اثرات و نقشه‌های موعود با استناد به برخی از ادعیه و زیارات بیان می‌شود. این نقش‌ها و اثرات گاهی ظاهری و مادی و گاهی معنوی و ماورایی است که در این بخش از دو حیث نقش‌ها و اثرات موعود مورد بررسی قرار می‌گیرد. حقیقتاً احصاء همه نقش‌ها و اثرات موعود در عوالم مختلف و در گذشته و حال و آینده برای بشر غیرممکن است، اما آنچه به صورت پراکنده از اثرات و نقش‌های موعود با استناد به ادعیه و زیارات به دست می‌آید، به صورت بسیار مختصر در این قسمت ذکر می‌شود.

نقش‌ها و آثار ظاهری و مادی موعود در عالم

آنچه با استناد به ادعیه و زیارات از نقش‌ها و اثرات ظاهری حضرت در عالم به دست می‌آید، جلوه‌گر مقام ولایت و وساطت فیض و صاحب امری موعود می‌باشد.

بنابر گواهی ادعیه و زیارات، دین اسلام پس از بی‌توجهی خلق به آن به وسیله موعود عزیز می‌گردد و حق و حقیقت طالع می‌شود و به وجود ایشان تاریکی‌های عالم و غم‌ها و سختی‌ها برطرف می‌شود و شهرها به وسیله ایشان ایمن می‌گردد و بندگان هدایت می‌شوند:

اللَّهُمَّ وَأَعِزِّبِهِ الدِّينَ بَعْدَ الْخُمُولِ وَأَطْلَعْ بِهِ الْحَقَّ بَعْدَ الْاِفْوَالِ وَأَجَلِّ بِهِ الظُّلْمَةَ وَاکْشِفْ بِهِ
الْغَمَةَ اللَّهُمَّ وَأَمِنْ بِهِ الْبِلَادُ وَأَهْدِ بِهِ الْعِبَادَ (کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۲۸۴).

همچنین ایشان آشکارکننده ایمان و یاددهنده احکام قرآن و پاک‌کننده زمین و نشردهنده عدالت در طول و عرض عالم می‌باشد:

سَلَامٌ اللهُ... عَلَى... مَظْهَرِ الْإِيمَانِ وَمُلَقَّنُ أَحْكَامَ الْقُرْآنِ مُظْهَرِ الْأَرْضِ وَنَاشِرِ الْعَدْلِ فِي
الطُّولِ وَالْعَرْضِ (همان).

و به وسیله ایشان زمین که پراز ستم‌های آشکار و پنهان است پراز عدل و داد می‌شود: «وَ
امْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا» (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۱۸) و به واسطه او، حق به
پا داشته و باطل نابود می‌شود و دوستان خدا، پیروز و دشمنان خدا، خوار و ذلیل می‌گردند:
«اللَّهُمَّ وَ أَقِمَّ بِهِ الْحَقَّ وَ أَدْحَضْ بِهِ الْبَاطِلَ وَ أَدُلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَ أَدَلِّلْ بِهِ اِعْدَائِكَ» (حلی، ۱۳۹۰:
۲۹۵).

با استناد به فرازی از دعای ندبه درمی‌یابیم که موعود افکار و سخنان مخالف را براساس تقوا وحدت می‌بخشد و پرچم هدایت به وسیله او به احتراز در می‌آید و کارهای آشفته اصلاح و

دل‌ها را خشنود می‌سازد و خداوند ایشان را در مقابل کسانی که به او ظلم کرده و بر او دروغ بسته‌اند، پیروز می‌کند:

أَيْنَ جَامِعِ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى... أَيْنَ صَاحِبِ يَوْمِ الْفَتْحِ وَ نَاشِرِ رَايَةِ الْهُدَى أَيْنَ مُؤَلِّفِ
شَمْلِ الصَّالِحِ وَالرِّضَا... أَيْنَ الْمُنْصُورِ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَ افْتَرَى؟ (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۴۶)

همچنین خداوند به وسیله موعود، جدایی بین ما را اصلاح می‌کند و گسستگی ما به وسیله او پیوسته می‌گردد و کمی ما به وسیله حضرت زیاد می‌گردد، ذلت و خواری ما تبدیل به عزت و آبرو می‌شود و بدهکاری‌های ما به وسیله او ادا می‌شود و فقر و نادانی ما به وسیله ایشان جبران می‌شود و نیازمندی و حاجت‌مندی ما برطرف می‌شود و تنگدستی ما به وسیله او تبدیل به دارایی و ثروت می‌شود و مشکلات ما به واسطه ایشان آسان می‌گردد: «اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا وَ ارْتُقْ بِهِ فَتَقْنَا وَ الْمُمْ بِهِ شَعْتَنَا وَ كَثُرْ بِهِ قَلْتَنَا وَ أَعَزِّزْ بِهِ ذِلَّتَنَا وَ أَقْضِ بِهِ عَن مَّعْرَمِنَا وَ اجْبُرْ بِهِ فُقْرَنَا وَ سُدِّ بِهِ حَلَّتْنَا وَ أَعِنِ بِهِ فَاقْتَنَا وَ يَسِّرْ بِهِ عَسْرَتَنَا» (حلی، ۱۳۹۰: ۴۲۷) و در راستای اجرای امر الهی و عدالت، منافقان به وسیله حضرت خوار می‌شوند و زورگویان هلاک می‌شوند و هر آتش افروخته‌ای با شمشیر او خاموش می‌شود و دستورش در تمام جاها نافذ و عملی می‌گردد و با پادشاهی او هر سلطنتی ایجاد می‌شود و بت پرستان به وسیله او نابود و اهل قرآن و ایمان، شریف می‌گردند:

وَ أَدَّلَ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَ أَهْلَكَ بِهِ الْجَبَّارِينَ... وَ أَفْصَمَ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ أَحْمَدَ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ
وَقِيدٍ وَ أَنْفَذَ حُكْمَهُ فِي كُلِّ مَكَانٍ وَ أَقِيمَ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ وَ أَفْعُجْ بِهِ عَبْدَةَ الْأَوْثَانِ وَ شَرَفْ
بِهِ أَهْلَ الْقُرْآنِ وَ الْإِيمَانَ (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۱۸).

به طور کلی نقش‌ها و اثرات مادی و ظاهری موعود، همانند نقشه‌ها و اثرات ماورایی و معنوی ایشان، هم مربوط به ایام ظهور و هم قبل از ظهور و مربوط به همه عوالم هستی و در میان همه مخلوقات می‌باشد.^۱

نقش‌ها و اثرات معنوی و ماورائی موعود در عالم

همانند نقش‌ها و اثرات ظاهری موعود، نقش‌ها و اثرات معنوی و ماورایی موعود نیز جلوه‌گر مقام ولایت و وساطت فیض و صاحب‌الامری ایشان می‌باشد. در ادعیه و زیارات از خداوند

۱. پیوست ۱۲.

می‌خواهیم: «وَاجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهٖ مَقْبُولَةً وَدُعَاؤَنَا بِهٖ مُسْتَجَابًا وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهٖ مَبْسُوطَةً وَهَمُومِنَا بِهٖ مَكْفِيَةً وَخَوَائِجَنَا بِهٖ مَقْضِيَةً» (حلی، ۱۳۹۰: ۲۹۵)، درخواست قبولی نماز به حق آن حضرت از خداوند متعال و بخشش گناهان ما و استجابت دعاهاى مان و وسیع شدن روزی مان و برطرف شدن غم و گرفتاری‌های مان و برآورده شدن حاجات مان به واسطه ایشان، از جمله نقش‌ها و اثرات معنوی و ماورایی موعود در بندگان می‌باشد.

اساساً موعود وسیله تقریبی است که بین آسمان و زمین امتداد یافته و واصل گردیده است: «أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ» (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۴۶) لذا از خداوند می‌خواهیم: «وَ كَفِّ بِهٖ وَجُوهَنَا وَانْجِحْ بِهٖ ظَلَبَتْنَا وَاشْتَجِبْ بِهٖ دَعَاؤَنَا» (حلی، ۱۳۹۰: ۴۲۷) حتی آبرو و عزت و شرافت ما مخصوصاً نزد خدا و انبیاء و اولیا و بندگان صالح و ملائکه به واسطه موعود، حفظ می‌شود. از این روی در دعای دیگر از خداوند می‌خواهیم: «وَبَيِّضْ بِهٖ وَجُوهَنَا وَفَكِّ بِهٖ أَسْرَتَنَا وَانْجِحْ بِهٖ ظَلَبَتْنَا وَانْجِزْ بِهٖ مَوَاعِيدَنَا وَاشْتَجِبْ بِهٖ دَعْوَتَنَا وَاعْطِنَا بِهٖ سَوْلَنَا وَبَلِّغْنَا بِهٖ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اِمْلَانًا وَاعْطِنَا بِهٖ فَوْقَ رَغْبَتِنَا يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَارْزُقْنَا بِهٖ صُدُورَنَا وَادْهَبْ بِهٖ غِيظَ قُلُوبِنَا وَاهْدِنَا بِهٖ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ يَا ذَنبَكَ إِنَّا نَكْتُبُكَ بِهٖ مِنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (حلی، ۱۴۱۷ق: ۵۸) به استناد این دعای شریفه آبرومندی و عاقبت بخیری بندگان و آزادی بعد از اسارت و برآورده شدن حاجت‌ها و تحقق وعده‌هایی که به بندگان داده شده و استجابت دعاها و نائل شدن بندگان به آرزوهای شان و شفا یافتن امراض روحی و جسمی و برطرف شدن کینه‌ها و خشم‌ها از دل‌ها و بالاخره هدایت شدن بندگان به راه مستقیم، به واسطه حضرت، محقق می‌شود.

هدایت شدن بندگان به واسطه حضرت است، چراکه ایشان دعوت‌کننده به سوی خدا و دلیل و راهنمای بر خداوند است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ بِالسَّبِيلِ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، الدَّاعِي إِلَيْكَ، الدَّلِيلِ عَلَيْكَ» (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۳۷؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۰۶) به واسطه ایشان اهل هدایت، راهنمایی می‌شوند و برای مؤمنان فرج حاصل می‌شود: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَوَّارَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهٖ الْمُهْتَدُونَ وَيَفْرَجُ بِهٖ عَنَ الْمُؤْمِنِينَ» (حلی، بی تا: ۳۷) چراکه ایشان نورالله است و نور هم خود روشن و نمایان است و هم دیگران را روشن و راهنمایی و هدایت می‌کند بنابراین دل بندگان به واسطه ایشان، زنده و آباد می‌شود و نور واقعی ایمان در آن می‌تابد: «وَأُحْيِ بِهٖ عِبَادَكَ» (مشهدی، ۱۳۷۸: ۹۴۰).

به استناد دعایی که ذکر شده، موعود «نورالله» است و با این نور خداوند هر تاریکی را به

روشنی بدل می کند و به واسطه حضرت هر غم و اندوهی برطرف می گردد و دل و قلب مؤمنان، محکم و پایدار می گردد:

اللَّهُمَّ نوريُّنوره كلِّ ظلمةٍ واكشف بهِ كلِّ غمةٍ وقدم أمامه الرُّعبَ وثبت بهِ القلبَ وأقم بهِ نُصرةَ الحزبِ (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۱۸).

اثرات موعود هم بر دل بندگان و هم بر فکر ایشان است، حتی گمان های باطل بندگان، از بین می رود. مثلاً گمان های مایوسین از رحمت و فضل خدا به نادرستی می رسد: «أخلف بهِ طُنُونَ القانطين من رحمتك و الأيسين منه» (كفعمی، ۱۴۱۸ق: ۶۶۰؛ حلی، بی تا: ۸۵) و به واسطه موعود معلوم می شود که نگاه و گمان مایوسانه به خداوند و رحمت بیکران او، نگاهی کفرآلود و به دور از واقعیت بوده است و کلام خداوند متعال در این آیه شریفه: «وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَبْئُتُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ»؛ و از رحمت خدا نومید مباشید که هرگز جز کافران هیچ کس از رحمت خدا نومید نیست (یوسف: ۸۷). به واسطه موعود، نمایان تر می شود. حاصل آن که با بررسی نقش ها و اثرات ظاهری و مادی و همین طور معنوی و ماورائی موعود، ابعاد شخصیتی ایشان، شناخته تر خواهد شد و انسان را به معرفت شخصیتی حضرت، نزدیک تر می کند.^۱

۶. موعود در قرآن با تطبیق ادعیه و زیارات

با تطبیق ادعیه و زیارات بر آیات مهدوی، بستر برای شناخت شخصیتی موعود فراهم می گردد.

در آیات مختلفی از قرآن کریم اشاره به موعود و یاران ایشان شده است در حالی که این آیات بر ادعیه و زیارات مهدوی تطبیق دارد. در این قسمت درصدد هستیم با تطبیق برخی از این آیات با برخی از ادعیه و زیارات، زمینه و بستر را برای شناخت بیشتر شخصیتی موعود برای خواننده به وجود آورد تا بدین وسیله کارکرد معرفتی و معنوی موعود در ادعیه و زیارات، بیشتر نمایان گردد.

آیه اتمام نور

در ادعیه می خوانیم: «السلام عليك يا نور الله الذي لا يُطفى» (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۳۷؛ ابن مکی، ۱۴۱۰ق: ۲۲۶) و در جایی دیگر آمده است: «السَّلَامُ عَلَى التُّورِ الَّذِي أَرَادَ أَهْلُ الْكُفْرِ إِطْفَاءَهُ

۱. پیوست ۱۳.

فَأَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ بِكُرْهِهِمْ وَأَيْدِهِ بِالْحَيَاةِ حَتَّى يُظْهِرَ عَلَى يَدَيْهِ الْحَقَّ بِرِغْمِهِمْ» (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۴۴). در این ادعیه شریفه، به موعود به عنوان نوری که اهل کفر اراده خاموش کردن آن را دارند در حالی که خداوند اراده اتمام و کامل کردن آن نور را دارد، سلام می‌دهیم. این فراز از دعا مطابق است با آیات ۳۲ سوره توبه و ۸ سوره صف که خداوند سبحان در این آیات می‌فرماید:

﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّأ أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ (توبه: ۳۲):

می‌خواهند نور خدا را با دهان‌های‌شان خاموش سازند، ولی خداوند جز این نمی‌خواهد که نور خود را به کمال برساند، هرچند کفار، ناراحت باشند.

و در آیه شریفه دیگری خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ (صف: ۸):

آنان تصمیم دارند که نور خدا را با دهان‌ها (و سخنان و افتراها)ی خود خاموش کنند، در حالی که خداوند کامل‌کننده نور خویش است، هرچند کافران ناخشنود باشند.

و کلینی با سند خود از محمد بن فضیل روایتی را از امام کاظم علیه السلام بیان می‌کند که حضرت فرمودند:

هنگام ظهور و قیام حضرت قائم (آل محمد) او را بر همه دین‌ها پیروز می‌نماید، همان طوری که خدای عزوجل فرموده است: «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ» و خداوند تکمیل‌کننده نور خود است که به وسیله ولایت امام قائم می‌باشد، «وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»، اگرچه کافران از ولایت امام علی علیه السلام، کراهت داشته باشند (حسینی بحرانی، ۱۳۹۴: ج ۹، ۳۶۲).

یعنی مصداق بارز و کامل «نورالله» که اهل کفر قصد خاموشی آن را دارند و خداوند اراده اتمام آن نور را کرده است، نور موعود می‌باشد که خداوند اراده کرده آن نور را در طول دوران اتمام و کامل نماید و او را به جهانیان مخصوصاً در عصر ظهورش بنمایاند.

آیه استضعاف

در فرازی از دعا می‌خوانیم:

وَأَحْزَلِكُ مَا وَعَدَكُ فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۴۵۵).

این فراز از دعا مطابق است با آیه شریفه ای از سوره مبارکه قصص که می‌فرماید:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵)؛

ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.

در تفسیر این آیه شریفه، احادیثی منقول از اهل بیت علیهم السلام داریم برای نمونه، شیبانی گفته است: «در روایات از امام باقر و امام صادق علیهم السلام وارد شده است که فرموده اند:

این مخصوص صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه است که در آخرالزمان آشکار می گردد و گردن ستمگران و فرعونیان را می زند و زمین را از شرق تا غرب مالک می شود و آن را پراز عدل می گرداند هم چنان که پراز ظلم و ستم گشته است (حسینی بحرانی، ۱۳۹۴: ج ۷، ۱۵۲).

ما در دعا از خداوند متعال می خواهیم که محقق گرداند و عده ای را که به موعود داده است. بنابر فرموده خداوند متعال در قرآن طبق آیه ۵ قصص و ادله نقلی، به این نتیجه می رسیم، وعده خداوند که ما تقاضای تحقق آن را داریم همان تحقق کلام خداوند در این آیه می باشد و آن این است که مستضعفین، ائمه علیهم السلام و وارثان زمین قرار گیرند و تأویل این آیه شریفه قطعاً در زمان ظهور موعود، اتفاق خواهد افتاد.

نتیجه گیری

مهم ترین بخش معرفت به موعود، شناخت و معرفت به ویژگی ها و فضائل شخصی و شخصیتی ایشان است. در ادعیه و زیارات فراوانی از کلام ائمه معصومین علیهم السلام به ویژگی ها و مقامات و فضائل شخصی و شخصیتی امام و موعود پرداخته شده است، به طوری که انسان طالب معرفت با تأمل و تفکر در فرازهای ادعیه و زیارات مهدوی به قلّه های بلندی از معرفت موعود نائل می آید.

ویژگی های شخصی و شناسنامه ای موعود که در ادعیه و زیارات به آن اشاره شده است، انسان را نسبت به شناخت مصداقی امام و موعود، موفق می کند از جمله فرازهایی از ادعیه پیرامون اسم، القاب و کنیه ایشان و بیان نسب حضرت و جلوه های ظاهری ایشان در مکان های خاص. از طرف دیگر بیان فرازهایی از ادعیه و زیارات پیرامون مقامات و فضائل و جایگاه موعود در عالم، انسان را نسبت به شناخت حقیقتی و نوری موعود، موفق می کند. شناخت بُعد شخصیتی امام که در این قسمت، به دنبال آن بودیم، عمده شناخت معرفتی نسبت به موعود به وسیله این بعد حاصل می گردد؛ بنابراین در ادعیه و زیارات متنوع و فراوان

اشاره به این دسته از عبادات و فرازاها شده است. از جمله جایگاه معرفت به امام و خصوصیات ارتباطی امام با عالم و بیان صفات حضرت و بیان اثرات و نقش‌های ظاهری و باطنی حضرت در عالم، هر کدام شامل مباحثی معرفتی عمیقی در بُعد شخصیتی موعود می‌باشد. در این فصل با ذکر فرازهایی از ادعیه و زیارات در دو بخش ابعاد شخصی و ابعاد شخصیتی موعود مباحثی حول محور این عبارات بیان گردید.

پیشنهادات

پیشنهاد می‌گردد عزیزان پژوهشگر در مقالات و پایان‌نامه‌ها، ادعیه و زیارات ائمه معصومین علیهم‌السلام را به عنوان کلام معصوم، محور و مستند موضوعات دینی خود قرار دهند و بهتر است تطبیق با آیات و روایات نیز صورت گیرد. به عنوان نمونه چند مورد پیشنهاد می‌گردد: امام‌شناسی در ادعیه و زیارات، ارتباطات خالق و مخلوقات با تحلیل ادعیه و زیارات، معرفت نفس با تحلیل ادعیه و زیارات، مقام وساطت فیض امام با تحلیل ادعیه و زیارات، کیفیت توجه و توسل و زیارات با تحلیل ادعیه و زیارات و ...

پیوست ۱

۱. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْفَرِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُتَنَزِّهُ وَالْحَقُّ الْمَشْتَهَرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْوَلِيُّ الْمُجْتَبَى وَالْحَقُّ الْمَشْتَهَى؛ سلام بر تو ای امام تنها، سلام بر تو ای پیشوای مورد انتظار همگان، ای حقیقت‌مشهور و معروف و آشکار در بین همگان، سلام بر تو ای ولی و سرپرستی که با دقت انتخاب شده است، ای حقیقتی که همه خواهش دیدارش را دارند (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۱۸)؛

۲. الْإِمَامُ بِالْحَقِّ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ؛ پیشوای بر حق حضرت ابالقاسم محمد بن الحسن (حلی، بی تا: ۴۲۵)؛

۳. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ حَجَّتْكَ فِي أَرْضِكَ؛ بارالها بر محمد (حضرت مهدی علیه‌السلام) درود فرست همان کسی که حجت تو در زمینت است (کاشانی، ۱۳۹۴: ۲۹۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق: ۳۱۶)؛

۴. وَ أَنْ مَوْلَانَا وَ سَيِّدَنَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْهَادِي الْمَهْتَدِي التَّقِي النَّقِي الزَّكِي الرَّضِي؛ و به راستی که مولای ما و آقای ما و صاحب روزگار ما، هدایت‌کننده هدایت شده و پرهیزگار، پاک و آراسته، صالح و پسندیده می‌باشد (حلی، ۱۳۹۰: ۴۴۸)؛

۵. وَ أَنَّهُ الْإِمَامُ التَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْتَدِي الظَّاهِرِ التَّقِيُّ الْوَفِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ؛ او امامی پرهیزکار،

هدایتگر، رهبری هدایت شده، پاک سرشت، با تقوا، با وفا، پسندیده و نیک سیرت است (حلی، بی تا: ۳۱۰)؛

۶. الجحجاج المَجَاهِدِ المَجْتَهِد؛ آن امام مجاهد کوشا (همان)؛

۷. أَشْهَدُ أَنْكَ الْحَقِّ الثَّابِتِ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ؛ گواهی می دهم تو آن حقیقت ثابتی هستی که پاک و منزله از هر عیب و نقصی می باشی (کفعمی، ۱۳۴۹: ۴۹۵)؛

۸. المَتْرَقِبِ الْخَائِفِ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ؛ آن امامی که دائم مراقب و نگران و خائف و ولی ناصح و خیرخواه امت است (کفعمی، ۱۳۴۹: ۴۹۷)؛

۹. الْخَائِفُ الْمَتْرَقِبُ؛ خائف و منتظر فرج (مراقب نگران) (همان: ۴۹۵)؛

۱۰. وَ صَلَّى عَلَى الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِي أَمَامَ الْمُؤْمِنِينَ؛ و درود فرست بر خلف هدایت کننده و هدایت یافته، حضرت مهدی که امام مؤمنان است (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۷۷)؛

۱۱. سَلَامُ اللَّهِ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ صَاحِبِ الزَّمَانِ وَ الْخُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ؛ سلام خدا بر حجت خدا حضرت صاحب الزمان و حجت قائم حضرت مهدی آن امام منتظر و برگزیده خدا (کفعمی، ۱۴۱۸: ۱۵۸).

پیوست ۲

۱. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَ رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ وَ عَلَى ابْنِهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرَ وَ جَدَّتَهُ الصَّدِيقَةَ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى مَنْ إِصْطَفَيْتَ مِنْ أَبْنَائِهِ الْبَرَّةِ؛ خداوندا بر حضرت محمد و آلش درود فرست و باز هم بر حضرت محمد جد امام زمان که رسول تو و سید و بزرگ پیامبران است و بر حضرت علی که جد دیگرش و سید و عزیز اوصیاء پیامبر است و بر جده او حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا دختر حضرت محمد و بر پدران بزرگوارش که تو آنان را برگزیده ای درود فرست (مجلسی، ۱۳۸۹: ۳۰۳)؛

۲. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بُنَّ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَا سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْاِئِمَّةِ الْخُجَّجِ الْمَعْصُومِينَ وَ الْاِمَامِ عَلَى الْاَخْلُقِ اِجْمَعِينَ؛ سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیرالمؤمنین، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا بزرگ زنان عالم. سلام بر تو ای فرزند امامان و حجت های خدا که معصومانند و پیشوایان بر همه خلق عالم (کفعمی، ۱۴۱۸: ۱۰۵)؛

۳. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَلَذَةَ كَبَدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا يَا

بَصْعَةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، سلام بر تو ای جگرگوشه پیامبر خدا (حضرت مهدی) که درود خدا بر او و آل او باد، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای پاره تن رسول خدا (موسوی، بی تا: ج ۱، ۴۵۱)؛

۴. وَ اشْفَقْنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِكَأْسِهِ وَ بِيَدِهِ رِيَا رُوِيَا هَنِيئًا سَائِغًا لَا ضَمًّا تَعْدَهُ؛
و ما را از حوض کوثر جد آن حضرت با کاسه و دست مبارک او به آبی سیراب کننده و گوارا و مطبوع بنوشان که دیگر هرگز تشنه نشوم (مجلسی، ۱۳۸۱: ۳۰۳)؛

۵. وَ احشرنی مَعَهُمَا وَ مَعَ آبَائِهِمَا الطاهرين وَ الْقَائِمِ الحجه مِنْ ذريتهما؛ و مرا با آن دو امام (امام هادی و امام عسکری) محشور فرما و با پدران پاکشان و با قائم (حضرت حجت) از ذریه آن دو امام (نعمان، ۱۴۱۰ق: ۸۵۱)؛

۶. اللَّهُمَّ أَنْ هَاتَيْنِ الرُّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٍ مِنْي إِلَى عَبْدِكَ وَ ابْنِ عَبْدِكَ وَ وَلِيِّكَ وَ ابْنِ وَلِيِّكَ سَبْطُ نَبِيِّكَ فِي أَرْضِكَ؛ خدایا همانا این دو رکعت هدیه است از من برای بنده ات و فرزند بنده ات و ولی تو فرزند ولی تو و نوه پیامبر و فرستاده ات در روی زمین تو (حلی، بی تا: ۲۹)؛

۷. اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرُّكْعَاتِ هَدِيَّةٍ مِنْي إِلَى وَلِيِّكَ وَ ابْنِ وَلِيِّكَ وَ ابْنِ أَوْلِيَائِكَ الْإِمَامِ بْنِ الْأَيْمَةِ الْخَلْفِ الصَّالِحِ وَ الْخُجَّجَةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَلِّغْهُ يَا هَا؛ بارالها این چند رکعت نماز هدیه ای از جانب من به ولی و دوست تو و فرزند ولایت و فرزند اولیاء راستین است همان پیشوایی که فرزند پیشوایان دین است، جانشین شایسته حضرت حجت و صاحب زمانه می باشد پس بر محمد آل محمد درود فرست و این نمازها را به آن حضرت برسان (حلی، ۴۱۷ق: ۴۱۸)؛

۸. اللَّهُمَّ أَنْتَ كَاشِفُ الْكُرْبِ وَ الْبَلْوَى وَ إِلَيْكَ نَشْكُو غَيْبَةَ إِمَامِنَا وَ ابْنِ بِنْتِ نَبِينَا؛ خدایا تو برطرف کننده اندوه و بلا و مصیبت ها هستی از پنهانی و غیبت امامان به تو شکایت می کنیم همان کسی که فرزند دختر پیغمبرمان است (همان)؛

۹. وَ بِقَبْرِ أُمِّ وَ وَلِيِّكَ لَدَّهْ؛ خدایا به مرقد پاک مادر ولایت (حضرت نرجس خاتون) پناهنده شدم (همان: ۶۶۰)؛

۱۰. السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ أَوْلِيَائِهِ؛ سلام بر ولی خدا، فرزند اولیاء خدا (همان: ۴۴۴).

پیوست ۳

۱. جَلَّ مَوْلِدُهُ وَ كَرَّمَ مَحْتَدَهُ وَ الْمَلَائِكَةُ شَهِدَتْهُ وَ اللَّهُ نَاصِرُهُ وَ مُؤَيِّدُهُ إِذَا أَنْ مِيعَادَهُ وَ الْمَلَائِكَةُ

امدادَه؛ ولادت حضرت شکوهمند و نژادش شریف است و فرشتگان شاهدان اویند و خداوند یاری کننده و تأییدکننده اوست هنگامی که زمان وعده‌اش فرا رسد و فرشتگان مددکاران اویند(حلی، ۱۳۹۰: ۲۱۸).

پیوست ۴

۱. اللَّهُمَّ وَإِنَّهُ عَبْدكَ الذی استخلصته لنفسک و اصطفیته مِنْ خَلْقک و اصطفیته علی عبادک و ائتمنته علی غیبک و عصمته مِنْ الذُّنُوبِ و برأته مِنَ العیوب و طهرته مِنَ الرِّجْسِ و صرَفْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ و سلمته مِنَ الریب؛ بار خدایا همانا او بنده‌ای از بندگان توست که برای خود خالصش گردانیدی و از میان آفریدگانت او را برگزیدی و او را بر بندگان برگزیدی و او را برای سپردن غیب خود امین یافتی و از گناهان معصومش داشتی و از عیب‌ها مبرایش کردی و از هرگونه آلودگی پاکیزه‌اش کردی و از ناپاکی و پلیدی به دورش گردانیدی و از هر شک و شبهه‌ای سلامتت فرمودی(حلی، بی تا: ۲۱۸)؛

۲. فَإِنَّهُ عَبْدكَ الذی استخلصته لنفسک و ارتضیته لِتَصْرِ دینک و اصطفیته بعلمک و عصمته مِنَ الذُّنُوبِ و برأته مِنَ العیوب و أَطْلَعْتَهُ علی الغیوب و أَنْعَمْتَ علیه و طهرته مِنَ الرِّجْسِ و نقیته مِنَ الدَّنَسِ؛ همانا او آن بنده خاص توست که او را برای خود برگزیدی و برای یاری دینت او را پسندیدی و به علم ازلی خود انتخابش نمودی و او را از هر گناه حفظ کردی و از هر عیب دور ساختی و براسرار غیبی آگاهش کردی و او را از نعمت‌های بهره‌مند نمودی و از هر پلیدی و آلودگی پاک و منزّه داشتی(طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۱۱).

پیوست ۵

۱. اللَّهُمَّ و اجْعَلْ ذَلک لَنَا خَالِصاً مِنْ کُلِّ شَک و شَبْهٍ و رِبَاءٍ و سَمْعِهِ حَتّی لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَیْرک و لَا نَطْلُبُ بِهِ إِلَّا وَجْهک و حَتّی تُجَلِّئَنَا مَحَلِّهِ و تَجْعَلُنَا فِی الْجَنَّةِ مَعَهُ؛ خدایا این عقیده و دعای ما را از هر شک و شبهه و ریا و تظاهر خالص گردان به طوری که در تحقق آن به غیر تو اعتماد نکنیم و فقط توجه و رضای تو را طلب نمائیم و تا آن که ما را به آن حضرت برسانی و در بهشت در جوار او قرارمان دهی(کفعمی، ۱۳۴۹: ۵۴۸)؛

۲. وَ تُجَلِّئُنَا مَحَلِّهِ؛ خدایا ما را در نزد او جای بده(حلی، ۱۳۹۰: ۴۲۷)؛

۳. هَلْ إِلَیک یَابْنَ اِحْمَدِ سَبِیلِ فِتْلَقِی؛ ای پسر پیامبر آیا راهی هست که تو را ملاقات

کنم(حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۶).

پیوست ۶

۱. اللَّهُمَّ عَرَفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعْرِفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْكَ اللَّهُمَّ عَرَفْنِي نَبِيكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعْرِفْنِي نَبِيكَ لَمْ أَعْرِفْهُ قَطُّ. اللَّهُمَّ عَرَفْنِي حَجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعْرِفْنِي حَجَّتَكَ صَلَّلْتُ عَنْ دِينِي؛ بَارِخْدَايَا خُودَت رَا بَه مِنْ بَشَنَاسَانِ پَسِ اِگَر تُو خُودَت رَا بَه مِنْ نَشَنَاسَانِي مِنْ هَرگَز تُو رَا نَمِي تُوَانِم بَشَنَاسِم، بَارِخْدَايَا پِيَامبَرَت رَا بَه مِنْ بَشَنَاسَانِ پَسِ اِگَر تُو پِيَامبَرَت رَا بَه مِنْ نَشَنَاسَانِي مِنْ هَرگَز نَمِي تُوَانِم اَوْ رَا بَشَنَاسِم، بَارِخْدَايَا حَجَّتْ خُود رَا بَه مِنْ بَشَنَاسَانِ پَسِ اِگَر تُو اَوْ رَا بَه مِنْ نَشَنَاسَانِي اَز دِينِ خُود گَمْرَاه مِي شُوم (حلی، بی تا: ۳۹۵)؛

۲. الْأَعْمَالُ مَوْقُوفَةٌ عَلَى وِلَايَتِكَ وَالْأَقْوَالُ مُعْتَبَرَةٌ بِإِمَامَتِكَ مَنْ جَاءَ بِوِلَايَتِكَ وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قَبْلَةَ أَعْمَالِهِ وَصَدَقَهُ أَقْوَالِهِ تَضَاعَفَ لَهُ الْحَسَنَاتُ وَتَمَحَى عَنْهُ السَّيِّئَاتُ وَمَنْ زَلَّ عَنْ مَعْرِفَتِكَ وَاسْتَبَدَّلَ بِكَ غَيْرَكَ أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ وَ لَمْ يَقْبَلْ لَهُ عَمَلًا وَ لَمْ يَقُمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزُنًا؛ پذیرش اعمال مردم توسط خداوند متوقف بر ولایت تو (حضرت مهدی) است و هر گفتاری تنها به واسطه پذیرش امامت و پیشوایی تو اعتبار دارد هرکس ولایت تو را داشته باشد و به پیشوایی و امامت تو اعتراف کند اعمالش پذیرفته و گفتارش تصدیق و نیکی هایش چند برابر و گناهانش محو و نابود گرداند و هرکس نسبت به شناخت تو لغزش پیدا کند و منحرف گردد و کسی دیگر را جایگزین تو گرداند خداوند او را به رو در آتش افکند و به هیچ وجه عملی از او را نپذیرد و روز قیامت برای او وزن و قیمتی قرار ندهد (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۳۷)؛

۳. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَجْهَ اللَّهِ الْمُتَقَلِّبِ بَيْنَ أَظْهَرِ عِبَادِهِ سَلَامٍ مِنْ عَرَفِكَ بِمَا تَعْرِفَتْ بِهِ إِلَيْهِ وَ نَعْتِكَ بِبَعْضِ نَعْوَتِكَ الَّتِي أَنْتَ أَهْلِهَا وَ فَوْقَهَا؛ سلام بر تو ای وجه الهی که در بین پشت های بندگانش جابه جا شده، سلام کسی که تو را شناخته است آن چنان که تو خواستی شناخته شوی و خودت را برای او معرفی نمودی، سلام کسی که برخی از صفات و ویژگی هایی را که تو شایسته آن بلکه بالاتر از آن هستی توصیف نموده است (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۳۷).

پیوست ۷

۱. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ ارَادَتِهِ؛ سلام بر تو ای جانشین خداوند و یاری کننده حق او، سلام بر تو ای حجت خدا و دلیل و راهنمای اراده او (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۳۱۶؛ مجلسی، ۱۳۸۷ق: ج ۹۴، ۲)؛

۲. حَتَّى وَالِيتِ وَوَلَاهُ أَمْرُكَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ... وَ الْحَجَّةَ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ؛ تا

آن که من به هدایتت دوستار والیان امر تو شدم که آن والیان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و... حضرت حجت امام قائم مهدی است (کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۳۰۶).

پیوست ۸

۱. وَ الْحُجَّةُ الْمُنتَظَرُ امامی؛ حضرت حجت بن الحسن که همه در انتظار ظهورش هستند امام من است (مجلسی، ۱۳۸۹: ۳۵۹).

پیوست ۹

۱. سَلَامُ اللَّهِ... علی... خلیفة علی خَلْقِهِ وَ عِبَادِهِ؛ سلام خدا... بر... خلیفة او بر خلق و بندگانش (کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۱۵۸)؛
 ۲. ... وَ الْحُجَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أئِمَّةٌ وَ قَادَةٌ وَ دُعَاةٌ إِلَى اللَّهِ جَلَّ وَ عَلَا وَ حُجَّةٌ عَلَى عِبَادِهِ؛ (یازده امام) و حضرت حجت همه امام و رهبر و دعوت کننده به سوی خدای متعال و حجت بر بندگانش هستند (حلی، بی تا: ۲۳۳).

پیوست ۱۰

۱. یا وصی الْحَسَنِ؛ ای وصی امام حسن عسکری (طوسی، بی تا: ۴۲۵)؛
 ۲. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَةَ رَسُولِهِ وَ آبَائِهِ الْأَيِّمَةِ الْمُعْصُومِينَ الْمَهْدِيِّينَ؛ سلام بر تو ای جانشین خداوند در روی زمینش و ای جانشین رسول خدا و پدرانش که امامان معصوم و هدایت شده اند (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۳۷)؛
 ۳. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ رَسُولِ اللَّهِ؛ سلام بر تو ای جانشین راستین رسول خدا (موسوی، بی تا: ج ۱، ۴۵۱)؛
 ۴. اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَي خَاتِمَتِهِمْ وَ قَائِمِهِمُ الْمَسْتَوْرِعِينَ عَوَالِمَهُمْ؛ خدایا بر آخرین و قیام کننده ایشان درود فرست که از عوالم ایشان پوشیده است (حلی، ۱۳۹۰: ۲۱۸؛ مجلسی، ۱۳۸۹: ۶۳)؛
 ۵. ... وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ؛ ... و وارث رسولان (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۷۷)؛
 ۶. السَّلَامُ عَلَى وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتِمِ الْأَوْصِيَاءِ؛ سلام بر وارث پیامبران و خاتم اوصیاء (کفعمی، ۱۳۴۹: ۴۹۷)؛

۷. ... المنتهی الیه موارِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَدِيهِ مَوْجُودٌ أَتَارَ الْأَصْفِيَاءِ الْمُؤْتَمَنِ عَلَى السِّرِّ وَ الْوَلِيِّ لِلْأَمْرِ؛ سلام بر... آن کسی که میراث تمام پیغمبران به او منتهی شود و آثار و شعار پاکان عالم

نزد او موجود باشد آن که امین است بر سر حق و ولی امر است (مکی، ۱۴۱۰ق: ۲۰۸)؛
 ۸. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ وَ الْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِهِ؛ خدایا بر والیان عهد حضرت و پیشوایان پس
 از او رحمت فرست (حلی، بی تا: ۵۰۶)؛
 ۹. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلْفَ السَّلَفِ؛ سلام بر تو ای جانشین راستین گذشتگان (حلی، ۱۴۱۷ق:
 ۴۱۸).

پیوست ۱۱

۱. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ الرَّحْمَنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ
 الْقُرْآنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَاطِعَ الْبُرْهَانِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْإِنْسِ وَالْجَانِّ؛ سلام بر تو ای صاحب
 عصر و زمان، سلام بر تو ای جانشین خدای رحمان، سلام بر تو ای شریک و هم سنگ قرآن،
 سلام بر تو ای دارای دلیل و برهان قاطع، سلام بر تو ای امام آدمیان و جنیان (طوسی، ۱۴۱۱ق:
 ۸۲۱)؛

۲. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَادَّةُ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَوْثَ الْمُسْتَغِيثِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَوْثَ
 الْمَلْهُوفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَوْنَ الْمَظْلُومِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُظْبُ الْعَالَمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ
 الْمَسِيحِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَدِيلَ الْخَيْرِ؛ سلام بر تو ای راهی که به خدا می رسد، سلام بر تو ای
 فریادرس فریادکنندگان، سلام بر تو ای فریادرس دلسوختگان، سلام بر تو ای یاور ستمدیدگان،
 سلام بر تو ای محور جهان هستی، سلام بر تو ای امام و پیشوای حضرت عیسی مسیح، سلام بر
 تو ای همسنگ خوبی ها (موسوی، بی تا: ۴۵۱)؛

۳. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْأَمْرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ التَّدْبِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَانَا يَا
 صَاحِبَ الزَّمَانِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُنتَظَرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَائِمُ... السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ
 الْمُسْلِمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ؛ سلام بر تو ای صاحب امر و فرمان، سلام بر تو ای صاحب
 تدبیر و چاره اندیشی، سلام بر تو ای مولای ما ای صاحب زمان، سلام بر تو ای امام مورد انتظار،
 سلام بر تو ای قیام کننده... سلام بر تو ای پیشوای مسلمانان، سلام بر تو ای ولی
 خدا (موسوی، بی تا: ۴۵۱).

پیوست ۱۲

۱. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ... الْإِمَامَ الَّذِي بِهِ تَنْتَصِرُ؛ خدایا حضرت را امامی قرار ده که به وسیله او ما را
 یاری می نمایی (حلی، بی تا: ۳۱۰)؛

۲. اَعْنِ يَهْ عَائِلَتَا؛ خدایا به برکت حضرت نیاز ما را تبدیل به بی نیازی کن (کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۱۵۸)؛
۳. وَ أَظْهِرْ يَهْ الْحَقَّ وَ أُمَّتَّ يَهْ الْجَوْرَ وَ اسْتَنْقِذْ يَهْ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الدُّلِّ وَ انْعَشْ يَهْ الْبِلَادِ؛ خدایا به ظهور حضرت دین حق را آشکار ساز و ظلم و ستم را نابود گردان و به وجود او بندگان با ایمان را از ذلت و خواری نجات بده و ملک عالم را به برکت او آباد گردان (ابن بابویه، ۱۳۹۰: ج ۲، ۵۱۲)؛
۴. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعزَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُذِلَّ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ؛ سلام بر تو ای عزیزکننده مؤمنان مستضعف، سلام بر تو ای خوارکننده کافران متکبر ستمگر (کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۱۵۸)؛
۵. السَّلَامُ عَلَى الْمُدْخِرِ لِكِرَامِهِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ بَوَارِ أَعْدَائِهِ؛ سلام بر آن کسی که خدای متعال او را ذخیره کرده است تا اولیاء خدا را گرمی و عزیز کند و دشمنانش را ذلیل و نابود گرداند (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۴۴)؛
۶. اَللَّهُمَّ وَ أَكْذِبْ يَهْ الْمُتَالِينَ عَلَيْكَ فِيهِ؛ بارالها به وسیله حضرت کسانی را که در مورد او علیه تو حکم می کنند تکذیب کن (کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۶۶۰؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۵۶)؛
۷. وَ انْصُرْنَا يَهْ عَلَى عِدْوِكَ وَ عَدُوِّنَا؛ خدایا به وجود آن حضرت ما را بر دشمنانت و دشمنان ما پیروز گردان (حلی، ۱۳۹۰: ۵۸)؛
۸. وَ انْصُرْنَا عَلَى أَعْدَائِنَا بِعِزَّتِهِ؛ خدایا به عزت حضرت ما را بر دشمنان یاری فرما (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۰۹).

پیوست ۱۳

۱. وَ أَشْرِقْ يَهْ الْقُلُوبَ الْمُخْتَلِفَةَ مِنْ بَعَاةِ الدِّينِ؛ خدایا دل هایی را که از ستم ستمگران دچار اختلاف گشته به سبب حضرت روشن گردان (کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۶۶۰؛ حلی، بی تا: ۸۵)؛
۲. اَللَّهُمَّ نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظَلَمَةٍ وَ هُدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ يَدْعِيَةٍ وَ أَهْدِمْ بِعِزِّهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ؛ خداوند با نور جمال او هر تاریکی را روشن گردان و با قدرت او هر بدعتی را ویران ساز و با عزت او هر گمراهی را نابود کن (طبری، ۱۴۱۳ق: ۳۰۲).

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۸۷ق)، *التوحید*، قم: جامعه مدرسین.
۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۹۰ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: مکتبه الصدوق.
۳. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۹۲ق)، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، قم: نبوغ، دوم.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل ابی طالب* علیهم السلام، قم: علامه، اول.
۵. احمدی، محمد سعید (۱۳۹۱ش)، *تعقیبات مشترکه*، همدان: اندیشه یاران، سوم.
۶. حاجی سبزواری، ملاهادی (۱۳۸۳ش)، *اسرار الحکم*، قم: مطبوعات دینی، اول.
۷. حلی، احمد بن فهد (۱۳۸۳)، *عدة الداعی و نجاح الساعی*، قم: بنیاد معارف اسلامی، دوم.
۸. حلی، علی بن موسی (۱۳۹۰ق)، *اقبال الاعمال*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۹. حلی، علی بن موسی (۱۴۱۷ق)، *مصباح الزائر*، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۰. حلی، علی بن موسی (بی تا)، *جمال الاسبوع*، تهران: مؤسسه آفاق.
۱۱. حلی، علی بن موسی (بی تا)، *فلاح السائل*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۲. حلی، علی بن موسی (بی تا)، *مهج الدعوات*، قم: دارالذخائر.
۱۳. ربانی، محمدرضا (۱۳۷۹ش)، *جلوات ربانی*، تهران: آیت اشراق، اول.
۱۴. رسولی محلاتی، سیدهاشم (۱۳۸۲ش)، *زندگانی حضرت محمد* صلی الله علیه و آله، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چهاردهم.
۱۵. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۱۶. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ق)، *دلائل الإمامة*، قم: بعثت، اول.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق)، *تهذیب الاحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبة*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *مصباح المتجهد*، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
۲۰. طیب، عبدالحسین (۱۳۶۳ش)، *کلم الطیب*، تهران: کتابفروشی اسلام.
۲۱. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۹۳ش)، *علم الیقین فی اصول الدین*، قم: حکمت، اول.
۲۲. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر، تصحیح و تعلیق سیدطیب موسوی جزائری*، قم: دارالکتاب، سوم.
۲۳. کاشانی، محمد بن محسن (۱۳۹۴ش)، *معادن الحکمة*، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چهارم.
۲۴. کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۳۴۹ق)، *المصباح*، نجف اشرف: دارالکتاب العلمیه.
۲۵. کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۱۸ق)، *البلد الامین و الدرع الحصین*، بیروت: منشورات الاعلمی،

- اول .
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، *اصول کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم .
۲۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۸۷ش)، *تحفة الزائر*، قم: مؤسسه پیام امام هادی علیه السلام، اول .
۲۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۸۷ق)، *بحارالانوار*، تهران: منشورات مکتبه الاسلامیه، پنجم .
۲۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۸۹ش)، *زاد المعاد*، قم: جلوه کمال .
۳۰. مدنی، سیدعلی خان (بی تا)، *الکلم الطیب*، تهران: مکتبه نجاج .
۳۱. مشهدی، محمد بن جعفر (۱۳۷۸ش)، *المزار الكبير*، قم: مؤسسه نشر اسلامی .
۳۲. مکی العاملی، محمد بن (۱۴۱۰ق)، *المزار فی کیفیه زیارت النبی و الائمه الاطهار علیهم السلام*، قم: مؤسسه الامام المهدی علیه السلام .
۳۳. موسوی اصفهانی، محمدتقی (۱۳۸۳ش)، *مکیال المکارم*، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، چهارم .
۳۴. موسوی اصفهانی، محمدتقی (۱۳۸۷ش)، *ابواب الجنات فی آداب الجمععات*، قم: عطر عترة .
۳۵. موسوی، سید هبة الله بن احمد (بی تا)، *المجموع الرائق*، تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی .
۳۶. نبوی قمی، سید ابوالفضل (۱۳۸۱ش)، *امراء هستی*، تهران: انتشارات اسلامی، دوم .
۳۷. نعمان، محمد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *المقنعه*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی .
۳۸. نهاوندی، علی اکبر (۱۳۸۸ش)، *العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان*، قم: مسجد مقدس جمکران، دوم .

